همچنا نیکه درسا حه آرت ونقا شی نوآوری ها ی به منظـــور پیوست درسا حه ا دبیا ت وشعرنیزمطا لب جنجا ل برا نگیز ی ا زنویسندگا ن نا را ضی شوروی درمطبوعا ت آنکشوروجها ن آزا دبه‌طبع میرسید . برخی ا زین صا حبا ن ا ندیشه و قلـم که‌درگذشته‌شکنجه‌وآزا ردیده‌بودندنیزمحلی برا ی طبع آثار خودپیدا کردند ، چنا نچه‌ا شعا ریوتوشینکو Yevtoshenko که‌برروش ستا لین ا نتقا دا تی هم کرده‌بوددرا تحا دشوروی به‌طبع رسید . هم چنا ن ا ثرمعروف شولزنیتسین

بنا م یک روزا ززندگی ا یوا ن دیموسویچ که شر ح زندگی یک روسی را درزندا نها ی آنکشوربا زمیگویدنشرشد نویسنده‌خوددروقت ستا لین زندا نی بود .آثا رسا یرزندا ـ نیا نی ما نندوا یکوف وجا رجی شلیست درا وا یل سا ل ۱۹۶۰ به‌طبع رسید . ا زطرف دیگر ، روسها به‌پیما نه‌بیشترو سیر وسیا حت به‌کشورها ی خا رجی پردا ختندحتی آنا نیکـه د ر موردرژیم ا نتقا دمیکردندتبصره‌ها ی جنجا ل آمیزی علیـه رژیم می نمودندبه‌برخی ا زمنتقدا ن سیا سی اجا زه دا د ه شد ، کشورشوروی را بکلی ترک بدهندوراهی غرب شوند ، ا ما درداخل ا تحا دشوروی، کوچیتوف ، نویسنده‌بنا م آن کشوربه‌حیث رهبرجنا ح محا فظه‌کا را ن ا تحا دیه‌نویسندگا ن برگزیده‌شدوتووا ردوسکی که‌درکا رتحریرشولزنیتسیـــــن همکا ری میکرد ، به‌حیث رهبرجنا ح لیبرا ل ا تحا دیه نو ـ یسندگا ن منسوب شد . همچنا ن سا ینتیست ها ی معرو ف و نا را ضیا ن به‌ا ین جنا ح ملحق شدند . .

چنین روش آزا دمنشا نه‌که‌ا زطرف دولت شوروی‌ا تخا ذ وبه‌نفع آن، تبلیغا ت وسیع وگسترده‌گردید ،برا ی جها ن

غیرکمونیستی، این ذهنیت را پدیدآورد که درکشور شوروی تغییراتی رخ داده است درحالیکه درسیاست بنیادی رژیم تحولی صورت نگرفته بود. و " دولت تمام مردم" هنوزهم یک دیکتاتورشیپ است که اداره امور را به کمک دستگاه حزب وکا ،جی،بی به شکل خشن تری پیش میبرد وکا ،جی،بی هنوز هم یکی از ستونهای ثبات واستقرار رژیم است.

مخالفین واقعی سیاسی ضدکمونیستی،مانند گذشته تحت مضیقه قرار دارند خصلت واقعی رژیم شوروی وکا ،جی، بی وفقدان شکیبائی در برابر مخالفین ایدئولوژی وقتی خوبتر آشکار شد که ستیپان بندیرا، رهبر ملی گرای یوکراین را در اکتوبر ۱۹۵۹ درجمهوریت اتحادی آلمان ذریعه گماشتگان کا ،جی،بی ترور کردند.

حقیقت است که رژیم شوروی درداخل خاک کشور، وقتی با ملی گرایان ویا نهضتهای مخالف بر خورد می کرد ... ، ما نندگذشته، رحم واشفاقی درحق آنان روا نمی داشت،وبرعکس ادعای خروسچف زندانیان سیاسی همچنان وجودداشت ، تنها شمار آن کاهش یافته بود ،محاکمات مخالفان سیاسی، البته بصورت محرمانه جریان داشت..

میزان فشار واذیت را نمیتوان ازخلال محاکمات علنی تخمین زد. زیرا برخی اوقات اگر اخبار این چنین محاکمات را درجراید رسمی نشریا ذریعه سمیزدات عبدا پرده از یک گوشهٔ این چنین محاکمات دور میکردند هم بمنظور تأمین مقاصد سیاسی وملاحظات تکتیکی بود. چنانچه درسال ۱۹۲۰ نیز این روش را دنبال کرده بودند..

برحسب ادعای میزونوف MIRONOV ، رئیس سابق

کا ،جی،بی درلیننگرا ددربین سالهای ۵۹-۱۹۵۸ هنوز هم ۳۵ فیصدعناصرضدحکومت را به‌زندان می افگندو۶۵ فیصد دیگررا بعدازاخطارآزادمیساخت . .

روشنفکران روسی هنوزهم رسماذریعهٔ سازمانهای حزبی درانستیتوت های مختلف اکادیمی ها و اتحادیه نویسندگان وسایراتحادیه‌ها تحت کنترول قرار داشتند و غیررسمی ذریعه‌اجنت های خصوصی سرویس امنیتی تحت نظربودند . آنها آزادومستقل نبودندولی به‌همه حال استعمال ترورنسبت به‌دوره‌ستالین، ازبین رفت ، ولی یک ریفورم واقعی بین سالهای ۱۹۵۳ و۱۹۵۶ رخ داد ، دیگراصلاحاتی صورت نپذیرفت . ثبات به‌اصطلاح سیاسی رژیم را میتوان درروشنائی گزارش محرمانه‌شلیپن ، که منظورآن تطبیق پالیسی طویل‌المدت واستقرارواستحکام رژیم بود ، بهترتشخیص داد . درسال ۱۹۲۰ متودهای را بکاربستندکه موءفقیتهای ازان بدست آوردند . پالیسی رژیم این نبودکه‌قدرت واختیارات کا ،جی،بی را محدود بگرداندبلکه‌برعکس به‌این دستگاه‌رول سیاست گسترده‌تر، فعالتر ، مغلق ونفوذ پذیری بیشتری اعطاگردیدتاحمایت جامعه‌را با شکل وشرایط مطلوب برای رژیم عیاربگردانند کا ،جی،بی خودش با حزب وزعامت اتحادشوروی تجسم غلط جامعه عملاً سهم داشت . .

قانون دانان برجسته‌شوروی بشمول ویکتور چیک وادزه‌پروفیسرحقوق اوانستیتوت کا ،جی،بی زعمای شوروی را درفورمول نسجه‌جدید "دولت همه‌مردم" یاری میکردند، همین سازمان بودکه‌ابلاغیه‌های غلط دایربه محدودیت

فعالیت کا ،جی،بی وعدم موجودیت محبوسین سیاسی را تهیه وتنظیم میکرد .

وقتی ستاف حیرت زده اداری وشاگردان انستیتوت کا ،جی ،بی (بشمول موءلف این کتاب) عدم صحت بیانات خروسچف را با زگو وعلت آنرا پرسیدند بجواب شان گفته شد که اینچنین ابلاغیه ها برای ملاحظات سیاسی وتاکتیکی تنظیم میگردد . درحقیقت امر این بیانات به منظور آن بود تا برنقش جدید کا ـ جی ـ بی پرده بیندازد .

دلیل دیگری از نقش کا، چی ، بی درشکل دادن جدید ولی غلط رژیم تخنیک لیک کردن عمدی خبربین دوره پالیسی جدید اقتصادی و ۱۹۶۰ درقضیه شولگین Shuligin میباشد .

شولگین یک سلطنت طلب مهاجر که قربانی گی پا او شده بود (سرویس امنیتی وجاسوسی اتحادشوروی ازفبروری ۱۹۲۲ تا جولای ۱۹۳۴) ندانسته به کمک گی پا او میکوشید در طرز قضاوت غربیها نفوذ وارد کند وانکشافات شوروی را طوری که گی پا او میخواسته درنها دآنان تلقین نماید در ماه سپتمبر ۱۹۲۵ ذریعهء کمپلکس کا جی بی، تطمیع شده به اتحاد شوروی بیا بد وبکمک همین سازمان ازکیف ، ماسکو و لیننگراد دیدن کرد وبا وزرای سازمان زیرزمینی دفاع ، خارجه ومالیه که دستگاه جعل کرده بود ملاقاتهای به عمل آورد درسال ۱۹۲۷ کتابی درباره این دیدارهای خودنوشت که عنوانش سه شهر بود وبعدا زتصفیه باگی پا او کتاب او در خارج ازشوروی طبع گردید .یکی ازبحثهای مهم کتاب این بود که مداخله خارجی درامور داخلی اتحادشوروی زاید و

غیرضروری است به‌دلیل اینکه‌کمونیزم نیروی روبه‌زوال است . .

بعدازجنگ عمومی دوم ، اجنت قوای امنیتی روس شولگین را دربلگرادگرفتاروبه‌جرم مداخله‌درکار دستگاه درسال ۱۹۲۰ به‌زندان انداخت . درسال ۱۹۶۰ از حبس رهاگردیدوکی جی بی وی را باردیگربه‌خدمت خود گماشت درهمین وقت ناخودآگاه‌بروشوری به‌طبع رساندوعلت‌تذکر این مطلب راکه‌اتحادشوروی بسوی سیستم دیموکراسی و اغماض پذیری راه‌تکامل را می پیمایدبازگوکرده‌بود . .

تغییرات درساحه‌دپلوماسی :

ازسال ۱۹۵۸ به‌بعدعلاقه‌زعامت اتحادشوروی به همزیستی مسالمت‌آمیز ، توسعه‌روابط بازرگانی‌واقتصادی با غرب ، روش ملایم وانعطاف پذیری درمذاکرات و قرار دادها ، دپلوماسی اتحادشوروی واردیک مرحله فعالی گردید . دپلوماسی سویه‌عالی رهبران شکل‌عادی به خود اختیارکرد . خروسچف وسایرزعمای اتحادشوروی،ازایالات متحده‌امریکا وفرانسه‌دیدن کردندوسران کشورهای غربی به‌ماسکودعوت شدند . .

تماس های نزدیک با حکومات پیشرفته‌سرمایداری به شمول برتانیه ، ایالات متحده‌امریکا ، جمهوریت اتحادی آلمان، فرانسه‌وجاپان به‌منظورانکشاف مناسبات سیاسی قتصادی وکلتوری برقرارگردید . . .

اتحادشوروی به‌انعقادکنفرانس سران و کنفرانس

بین المللی درباره خلع سلاح وتجارت علاقه زیادی نشان داد. بتاریخ ۴ دسمبر ۱۹۵۸ اتحادشوروی ابلاغیه ای به نشرسپردوآزمایشهای ذروی را به‌تعویق انداخت وبدنبال آن پیشنهادهای درباره‌خلع سلاح ارائه‌کرد. اتحادشوروی کمال علاقمندی خودرا به‌حصول قرضه‌ها ازممالک پیشرفته صنعتی غیربلاک کمونیستی براساس قرضه‌طویل المدت ابراز نمود. کشورهای که‌با اتحادشوروی هم مرز بودند، موردتوجه‌خاص قرارگرفتنددرماه‌می ۱۹۶۲ خروسچف پیشنهاد انعقادکنفرانس جهانی تجارت را نمود.

این چنین ابتکارات، مظهرعلاقه‌محدود به مسایل ایدئولوژی وتوجه‌کثیربه‌دپلوماسی مصطلح ومروج ملی حکومت شوروی نبود. بایداین اقدامات با دپلوماسی اتحادشوروی تحت زعامت لینن درخلال تطبیق پروگرام پالیسی جدیداقتصادی موردمقایسه‌قرار بگیرد، دران وقت نیزقدمهائیکه‌برداشته‌شده‌بود، درداخل چوکات پالیسی درازمدت ایدئولوژیکی استوار بود. دران وقت نیز چنین شوق وشوری برای همزیستی مسالمت‌آمیزومناسبات انعطاف‌پذیربا جهان سرمایداری وعین تماسهای سویه عالی سران وزعما با حکومات غیرکمونیستی، را میتوان دردپلوماسی اتحادشوروی که‌بالاخره‌به‌انعقاد کنفرانس منعقده‌سال ۱۹۲۲ جینوا گردید، مشاهده‌کرد.

این مرحله‌ای بودکه‌لینن خود، زبان نرمش را بکار بست واز ذکرکلماتی ازقبیل اینکه‌تروروتشدد درتکتیک اتحادشوروی سهمی دارد، خودداری به‌عمل آمد.

پیشنهادهای اتحادشوروی دراسامبله‌عمومی ملل

متحد ، دایربه‌خلع سلاح عام وتام وتقاضابرای انعقاد کنفرانس بین المللی تجارت ، با پیشنهادهای سال ۱۹۲۰ اتحادشوروی شباهت کامل دارد .

اتخاذدیپلوماسی به‌اصطلاح معتدل اتحادشوروی در سال ۱۹۶۰ درواقع تکرارفعالیت های سیاست خارجی لینن به‌مقصدبهره‌برداری درین تناقض‌گوئی ازممالک غیر کمونیستی وممالک کمونیستی بود .

اگرما اساس تاریخی ودیپلوماسی اتحادشوروی متعلق به‌سال ۱۹۲۰ را با پامفلت لینن که‌زیرعنوان(مرض بچگانه‌چپ روی درکمونیزم) مشترکا موردمطالعه‌قرار بدهیم آن وقت سهل است بفهمیم که‌چراشوق والتهاب برای همزیستی مسالمت‌آمیزباسیستم های اجتماعی متفاوت درسال ۱۹۶۰ همدوش با تشدیدمبارزات ایدئولوژیکی در داخل وخارج اتحادشوروی بوده‌است .

صلای عام خروسچف که‌درخلال مسافرتش به ایالات متحده‌امریکا وبعدازان درسالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ برای همزیستی مسالمت‌آمیزوخلع سلاح توأم باحمله‌باسرمایه داری وپیشگوئی یک تغییربزرگ درغرب بود . همچنان حمایت جدی وی ازنهضتهای انقلابی وآزادیخواهی ملی‌در دنیا ، مخصوصا ویتنام وافریقا خیلی بااهمیت است .سال ۱۹۶۰ سال بنیانگزاری یک پوهنتون جدید ،بنام پوهنتون لومومبا ومرام آن تربیت وتمرین رهبران انقلابی برای کشورهای روبه‌انکشاف افریقا وآسیا وامریکای لاتین در تاریخ ابتکارات سیاسی رول عمده‌ای داشت ..

تشابه‌بین ابتکارات اتحادشوروی درسال ۱۹۲۰ـ و

ابتکارات سال ۱۹۵۰ واوایل سال ۱۹۶۰، ازنظرتحلیل گران غربی، هرگزپوشیده نماند. بصورت مثال داوید، بیشتردراثرخویش بنام "دیتانت" گفته است که مقامات اتحادشوروی توجه زیادی مبذول داشتندتا به تغییراتیکه واردمیگرددبا تغییرات دوره پالیسی جدیداقتصادی سال ۱۹۲۰ هماهنگ باشد..

همچنان، لازارپیستراک، دراثرش بنام "تاکتیک های بزرگ" میگویدکه خروسچف ازمتودلینن که حاکی از پالیسی خارجی فعال وپخش همه جانبه مفکوره انقلابی به یاری وسایل وافزاربیسابقه تبلیغاتی بوداستفاده می کرد.

سومین تحلیلگرغربی که شتاگلبرگ نام دارد، معتقد است که بین همزیستی مسالمت آمیزوتاسیس یک پوهنتون برای تمرین وآموزش رهبران انقلابی جهان سوم، هیچ شباهت منطقی ندارد. وی بین پوهنتون لومبما وپوهنتون کمونیست برای زحمتکشان شرق درمقام مقایسه می باید پوهنتون اخیرالذکرچهل سال قبل توسط لینن تاسیس گردیدومرادآن تربیت کدرها برای جمهوریت های شرق اتحادشوروی ازقبیل جمهوریت ترکستان، قزاقستان و قفقازبود.

باوصف حرف های ازهمزیستی مسالمت آمیزپالیسی اتحادشوروی، مشعربه تحریک ویا مداخله دریک سلسله بحرانهای دهه ای بودکه بعدازسال ۱۹۵۸ جهان را تکان داد. ازقبیل بحران برلین درنوامبر ۱۹۵۸ که خروسچف اصرارمیکرد، ستاتوی برلین تحت اشغال لغوگردد. هم-

وجوددارد . مارکسیستها ولیننیستها برای حل این اختلافات جنگ بدون تردیدبه مبارزه سیاسی، اقتصادی وایدئولوژیکی ارتباط می گیرد . .

سیاست خارجی اتحادشوروی درسال ۱۹۶۰ درستوقتی که رژیم بابحران دست وگریبان بودوناگزیرمیشدبدفاع برآیدیک سیاست معتدل نبودبلکه نسبت به سالهای قبل وحتی بعدازمرگ ستالین بیشترمتعرضانه بود . .

اینکه جامعه شوروی، زیادمعتدل وتشریفاتی وبیشتر ملی گرای وکمترایدئولوژیک بود، این محصول پخش نشرات دروغ واستعمال سیستماتیک اصطلاحات از قبیل همزیستی مسالمت آمیزبودکه دولت عاملا" عامداجامعه را غلط رهبری میکرد . .

سرویس امنیتی وجاسوسی اتحادشوروی درامر غلط معرفی کردن طبیعت سیاست خارجی روس، نقش خودرا خاصتا درمقایسه قراردادن وبرجسته ساختن علایق ومنافع عمومی بین کشورهای کمونیستی وغیرکمونیستی ایفا می نمود . اشتراک اجنت برجسته اتحادشوروی دررشته نفوذدرساحات ساینتیفیکی ازقبیل اکادیمیسن توپی چف ورولی که این اشخاص دراجتماع بکواش وسایرکنفرانسها بازی کردند ، باردیگرخاطره نهضت اورازیان (EURASIAM) را که ذریعه زررنسکی (DZERZHINSKIY) درسال ۱۹۲۰ مورد استعمال قرارگرفت ، درخاطره ها زنده میسازد . .

چنان سقوط طیاره‌جاسوسی امریکا برفراز آسمان اتحاد شوروی درسال ۱۹۶۰ که‌کنفرانس سران را بهم زدو تصمیم اتحادشوروی دایربه‌تجدیدآزمایشهای ذره‌وی درسال ۱۹۶۱ وبحران کیوبا درسال ۱۹۶۲ وبحران خاورمیانه در سال ۱۹۶۷ میتوانددررأس این بحران ها محسوب گردد. بار دیگرتوضیح این انکشافات را میتوان درتجاربی که پالیسی جدیداقتصادی ونظریات لینن درموردپالیسی خارجی بکاربرده‌بدست آورد. درپالیسی خارجی لینن هم حرف ازصلح زده‌میشدوهم متودهای ضدصلح بکارمیرفت.

همزیستی مسالمت آمیزساخته‌وبافته‌خروسچف بود، بگونه‌ایکه‌لینن نیزازین متوداستفاده‌میکردومنظوراین بودکه‌ازمبارزه‌طبقاتی بین سیستم های اجتماعی مخالف کشورهای غیرکمونیستی به‌نفع خودبهره‌برداری کند. احیای پالیسی فعال خارجی لینن باتائیدروزنامه عسکری شوروی بنام کراسنایاسویزدا(KRASNAYAZVZDA) مورخ ۱۸ جولایی ۱۹۶۳ بهترتائیدمیگردد.

دریک مقاله‌این روزنامه‌نوشته‌شده‌که‌پالیسی خارجی لینن ذریعه‌کمیته‌مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و حکومت شوروی، به‌حیث یک پرنسیب عالی قبول شده، انعطاف پذیر، ولی بهرصورت یک پالیسی فعال تعرضی است. این سیاست کاملا" معقول وازان سودفراوان حاصل شده‌است. کمونیستها، این مطلب راکتمان نمی کنندکه همزیستی مسالمت آمیزبرای فیروزی جهانی مفکوره‌مارکسیست ـ لیننیست خیلی مساعداست چونکه‌بین دوسیستم جهانی کاپیتالیزم وسوشیالیزم یک اختلاف عمیق بنیادی

تغییرات بزرگ در اتحاد شوروی

انکشافات مشخصی که از سال ۱۹۵۸ به‌بعد در اتحاد شوروی پدیدار گشت، در غرب به‌پیمانه وسیعی مظهری از روش معتدل ایدئولوژی خشن کمونیستی وکاهش نفوذ آن در اقدامات عملی بردولت تعبیرگردید.

همچنان تصور میشدکه اتخاذ یک روش ملایم، بایدناشی از پراپلمهای باشدکه اتحادشوروی به‌حیث یک ابرقدرت و به‌منظورحفظ علایق وپیروی از خط مشی عنعنوی خود، با آن مواجه میباشد. درپهلوی اینهمه مشکلات نهضت نارضائیانی که‌شوق ترک شوروی را دارنددردسردیگری برای اتحادشوروی ایجادکرده‌است.

درین شک نیست که‌واقعًا درساحات مختلف اقتصادی، سیاسی ودپلوماسی وایدئولوژیکی رژیم تغییراتی وارد گشت، اما بایدبین تغییردرخودرژیم وروشی که‌این تغییر رابه‌جهان معرفی میکند، تفاوتی قایل شدمخصوصًا که اهداف، دروغگوئی وینهانکاری، بیردرین پالیسی دخیل باشد.

تغییرات اقتصادی:

ازسال ۱۹۵۰ به‌بعد، تغییراتی عملاً در اقتصاد شوروی پدیدآمدکه‌شامل انکشاف تولیدات صنعتی‌وزراعتی به‌منظوربدست‌آوردن منافع بیشتربود. همچنان رقابتها

نفوذ ایدئولوژی :

تغییر عملی در اقتصاد، سیاست و دیپلوماسی حکومت اتحاد شوروی که از آن در بالا یاد آوری شد این عقیده را در غرب برمی انگیزد که نفوذ ایدئولوژی در سیستم شوروی رو به نقصان گذاشته است در حالیکه واقعیت امر بدین منوال نیست برعکس اگر تغییری رخ داد قبلاً" بدقت محاسبه شده کنترول گردیده و پراگماتیک بوده و به اساسات سیاسی و اقتصادی رژیم تماس نگرفته است حتی در حقیقت با مقایسه با عصر ستالین در استقرار و ثبات ایدئولوژی رژیم کمک کرده است .

در مطبوعات اتحاد شوروی در ارتباط با غرب ، بطور دائم ولی گاهگاهی، نیز از روش اعتدال کار گرفته شده و از منافع مشترک بین جهان کمونیستی و غیر کمونیستی صحبت به میان آمده است و از بیان تجدد پسندی و از افزایش نفوذ غرب و ملی گرایان در اتحاد شوروی، خودداری شده که همه یک روش تاکتیکی در داخل چوکات پالیسی دراز مدت است . .

این حقیقت دارد که نسل جدید تعلیم یافته بعد از جنگ اتحاد شوروی، مانند اروپای شرقی، نمودار یک تغیر فاحش ولی بی سروصدای پرنسیپ های سیستم کمونیستی و ایدئولوژی آن می باشند .ولی در بین روشنفکران و جوانان روسیه و سایر ملتهای شوروی مخالفین سرسختی وجود دارد که جوانه های نشنلیستی در ایشان عمیقا ریشه دوانده و سخت دشمن رژیم هستند . دشمنی و نفرت جوانان به رژیم وقتی

کسب شدت میکندکه بیا دمی آورندنسل گذشته‌ا زراه اعمال زوروفشا روا دا ربه‌ا طا عت شده‌ا ند. ا ین مخا لفین ا صیل و کا هش نفوذا یدئولوژی درنسل بعدا زمرگ ستا لین ، برا ی رژیم یک سلسله‌پرا بلم ها ی جدی را ا یجا دکرده‌ا ست . .

حا لا حکومت نا گزیرا ست به‌شیوه‌ستا لین همه‌رامختنق ومضمحل بگردا ندویا ا زروش جدیدکه‌برپا یه‌ا نعطا ف پذیری ا ستوا را ست ولینن آ نرا بکا رمیبردا ستفا ده‌به‌عمل آ ید و با لاخره‌متودلینن برگزیده‌شد. چونکه‌متودستا لین وا ضحا" به‌نا کا می ا نجا میدلهذا متودلینن متودبهتری قبول‌گردید

تفا وت رفا ه‌ا قتصا دی بین " طبقه‌نوین "وکا رگرا ن ودهقا نا ن فا رمهای ا شترا کی محدودگردید ،ا ستعما ل ترور وفشا ر ، منع شدومتودها ی مغلق بکا رافتا دتا علیه نفو ذ مذهبیون، ملی گرا یا ن وغربیها مبا رزه‌به‌صورت موء ثـــر صورت بگیرد. .

رژیم با ا ستفا ده‌ا زتخنیک ها ی دوره (پا لیسی جدید ا قتصا دی) پرستیژخودرا با لا برد ، بحرا ن دا خلی را پشت سرگذا شت ومخا لفین فعا ل دا خلی را خنثی سا خت وبه ا ین ترتیب یگا نه‌تغییروا قعی دربا ره‌ا یدئولوژی رژیم ا ین بودکه‌میزا ن موء ثریت فعا لیتها ی خودرا ا فزا یش بخشد .

عوا مل دیگری که‌عقیده‌تحلیلگرا ن غربی را بکا هش نفوذا یدئولوژی رژیم شوروی بیشترمسجل سا خت یکسلسله ا قدا ما ت دیگری بودا زقبیل تبدیلی دیکتا تورشپ پرو - لتا ریا " به " دولت تما م مردم" . .

- رهبرا ن شوروی که‌متهم به‌فسا دشده‌بودندا زا نقلا بیون حقیقی به‌ا صلاح طلبا ن وتجددپسندا ن شهرت دا د ه

شدند . برخی از گروه طبقه متوسط مورد دلجوئی قرار گرفت، دوربدگوئی و انتقاد از عصر ستالین مجددا در زبانها افتاد. سایینتست ها ، نویسندگان و سایر چهره های روشنفکر و فرهنگی مورد احترام قرار گرفتند و به یک تعداد زیادی یهودان روسی اجازه مهاجرت اعطا گردید .

بهاساس ارزیابی سال ۱۹۶۱ حزب کمونیست اتحاد شوروی ، چون" دیکتاتورشپ پرولتاریا" یا به عبارت دیگر دیکتاتورشپ حزب کمونیست وظایف خود را حسب مطلوب انجام داده است لهذا " دولت تمام مردم" تا پیروزی کامل کمونیزم بجای خود باقی خواهد ماند . بدون اینکه ضعف ونارسائی حزب مورد کنترول ایدئولوژی قرار بگیرد، فورمول جدید باید بخشی از مساعی به منظور گسترش پایگاه سیاسی حزب تلقی گردد . درحالیکه درظاهر امر تصویری از اعتدال وکمتر توجه پذیر عرضه میگردید و به این ترتیب حزب همچنان انحصار قدرت وسایل ومفکوره را از آن خود ساخت. خلیج بین اتحاد شوروی وسیستم های اجتماعی کشور های غیرکمونیستی درواقع امر پیوسته روبه افزایش میگذاشت درحالیکه از طرف دیگر علایق مشترک بین این هردو سیستم برعکس مرتبا تبلیغ میشد ، تحمل برای موجودیت یک اپوزیشن سیاسی خارج از حیطه کنترول در اتحاد شوروی برای همیشه بساط چیده شد ، چنانچه درگذشته نیز چنین چیزی وجود نداشته است . تمام عملیات اعم درداخل ویا خارج کشور بصورت مستقیم ویا غیرمستقیم مطابق پرنسیپ های ایدئولوژیکی وسیاسی لیننیزم پیش برده می شد بدون آنکه موضوعات ملی واقتصادی مانند گذشته ، مطمح

نظرقرار بگیرد . هرگونه توقع در افزایش رویزیونیست ، ملی گرایی و یا نفوذ غرب در رژیم ، یک توقع غیرواقع‌بینانه بود . مخصوصا که برخورد موء جه غرب در برابر سیستم نیز در نظر گرفته شود . .

همچنان این طرز تفکر نیز خالی از صواب بود که گویا زعمای اتحاد شوروی و اعضای حزب کمونیست آنکشور ، نسبت به گذشته کمتر شور و شوق ایدئولوژیستی دارند و انقلاب را برای تجدد پسندی و اصلاح طلبی پذیرا شده باشند . با وصف آن کارتلقین ایدئولوژی و تجدید آموزش بعد از سال ۱۹۵۸ نسبت به برخی اشخاص که آنرا اهمال میکردند ، و نفوذ ایدئولوژی در آنان رو به نقصان گذاشته بود با اعمال فشار تحمیل میشده این تلقین و تجدید آموزش به استقامت اهداف پالیسی در ازمدت که رهبران حزبی جملگی بدان متفق القول بودند ، صورت گرفت . .

بوجود آمدن لیدران نسل جدید از قبیل شلیپن ، پولیانسکی و اندروپوف نه تجدد پسند بوده اند و نه حالا میباشند

گزارش شلیپن وفعالیت کاجی بی که او و اندروپوف مسئول آن بودند تظاهر به این شد که آنان انقلابی باحرارتی بوده اند که پالیسی ایدئولوژیکی لینن را پیروی می نمودند و برای کسب قدرت از نسل قدیمی صایب تشخیص داده شده بودند چونکه هوا خواه این پالیسی بودند و توانستند موء فقانه آنرا به مرحله تطبیق بگذارند .

دیگر در گروه زعامت اتحاد شوروی نه لیبرال و نه اعتدال پسند و نه محافظه کار وجود دارد . فقط کمونیستها برا ریکه قدرت قرار گرفته اند که اقدامات آنان برموازین

پالیسی دراز مدت حزب استوار است . اما فقط تنها وقتی زعامت حزبی شوروی به منظور سودجویی برای پالیسی خواسته با شد در ان وقت در انظار عامه ، قیافه های از قبیل لیبرال ها و یا ستالینست ها را عرضه می کنند .

همچنان این اندیشه صایب نیست که مفکوره ایدئولوژیکی نظریه پردازان وتیوریسن های اتحاد شوروی روبه ضعف گذاشته ونسبت به حزب گرایش آزادمنشانه ای را پیشه کرده اند . حقیقت امر این است ، مامورین عالی رتبه ، جنرالها ، ساینتیست ها ، وبیوروکراتهای حرفوی همه اعضای حزب اندوکاملا" آگاهند که رفاه وآسودگی شان متناسب به علاقمندی شان به حزب است واگر موقف رژیم ضعیف شود ، حکومت ودرپهلوی آن خودشان ازین ناحیه آسیب می بینند . بصورت عمومی درموردکتورین کمونیزم نسبت به عصرستالین کمترشکاک هستند . گرفتاری وحبس در میان آنان دیگرمعمول نیست وفقط وقتی موردتعقیب قرار می گیرندکه به مخالفت علیه رژیم عملا" سهم بگیرند ، لهذا درحقیقت نسبت به گذشته وفادارترند . آنان میدانند که تغییردرسلطه اقتدارحزب تغییرناپذیراست . چون همه چیزتحت کنترول حزب قراردارد لهذا بین زعامت حزبی و تیوریسن ها هیچ دسته بندی وجودندارد . .

اگرنظریه پردازان وحرفوی ها نقش بهتری درتطبیق پالیسی بازی کنند این کاررا زیرنظروکنترول حزب ، انجام میدهند . این یک تصورواهی است که فکرشود ،اعضای مسلکی حزب ، طوریکه درغرب معمول است سیاستا " آزاد اند . درست است که آنان ازنفوذ زیادی برخوردارهستند،

اما آزادی هائی ندارند. شهود غیررسمی دایر بر اینکه متخصصین نظامی و اقتصادی و یا تکنوکراتها رول مستقلی درپروسه سیاست مداری بازی می کنند. میتوانند مردود شمرده شود، اگربرخی ازکارشناسان حزبی از عهده خود استعفا میدهندویا نظرات انتقادی خودرا درمطبوعات اتحاد شوروی منعکس میسازندویا با خارجی ها قرارملاقات میگذارند باید قبول شودکه همه به اجازه ودستورحزب صورت گرفته است.

تعدیل درسیاست اقتصادی بطوریکه برخی اوقات فکر میشودناشی ازفشارواصرارا قتصاددانها، تکنوکراتها و دانشمندان نیست بلکه پلان آن نخست طرح میشودوبعد به ابتکارونظارت حزب به مرحله اجرادرمی آیدودر آن هم اهداف پالیسی درازمدت که براساس تجارب (NEP) پالیسی جدیداقتصادی استوارست، مدنظرگرفته می شود.

تعدیل درین موردبه منظورتوانگری اشخاص انفرادی ویا یک گروپ صورت نمی گیردبلکه هدف ازین تعدیل توانگری واستحکام رژیم وتطبیق پالیسی کمونیستی است.

تکنوکراتها ویاکارشناسان، شوق والتهاب ایدئولوژیکی خودرا ازدست نداده اندآنان بحیث افسران عالی رتبه حزب باقی می مانندکه مسئولیت دیگری ازطرف حزب به آنان بهندرت واگذارخواهدشد. اگریکی ازآنان ازراه ورسم ونورم زندگی کمونیستی عدول کردندویا تجددپسند شدندازموقف شان تبدیل میشودولی علاقمندی وشوق ایدئولوژیکی آنان توسط فشارهای خالی ازتشددو تربیت سیستماتیک ایدئولوژیکی وکنترول سخت حزب، با دیگر

درنها دشا ن ا حیا میگردد .

کا رگرا ن ودهقا نا ن مزا رع ا شترا کی ،بطوریکه بعضی ا زنا ظرا ن فکرمی کنند ، طبقه متوسط نیستند . ا نکشا ف کا رگرا ن حرفوی هنوزهم بطی ا ست . آنا ن برا ی رسید ن بیک ستندردزندگی منا سب را ه طولانی پیشرودا رند .گذشته ا زا ن، درشرا یط ا تحا دشوروی، ظهوریک طبقه متوسط ناممکن ا ست برا ی ا ینکه حزب ا هدا ف مختلف دا ردواگرا ین ا هدا ف هم برآورده شودبا زهم چون فلسفه کمونیزم مبا رزه بر ضد طبقه متوسط ا ست ، لهذا پیدا یش چنین طبقه در جا معه شوروی مردودشمرده میشود .

ا سنا دمهم حزبی ا تحا دشوروی وبلوک شرق ،ا زقبیل مذا کرا ت بیست ویکمین کا نگرس حزب کمونیست ا تحا د شوروی، ما نیفست نوا مبر ۱۹۶۰ گزا رش تا ریخی ۶ جنور ی ۱۹۶۱ خروسچف وپروگرا م مصوبه ۱۹۶۱ دستگا ه جا سوسی گی پا ا ووپولیس ا منیتی پرنسیپ ها ی بنیا دی رژیم ا تحا د شوروی وا یدئولوژی آنرا وهمچنا ن غا یه نها ئی مبا رز ه ا یدئولوژیکی شوروی وبلا ک آنرا تثبیت کرده ا ست . ا ین ا سنا د ، نهضت کمونیستی را برا ی مبا رزه علیه ا یدئولوژی ها ی محلی وخا رجی فرا میخوا ندوآموزش بهترا یدئولوژ ی کمونیستی را توصیه میکند .

ا ین نتیجه گیری که رژیم ا تحا دشوروی به ا ستقا مت یک سیستم بیشترملی ومتعا رفی وکمترا یدئولوژیکی روان ا ست ، نیزمقرون به حقیقت نیست برعکس ا زطرف رژیم تصمیم سنجیده ا تخا ذمیگرددتا با آنهم ا هدا ف ایدئولوژیکی توجه غرب را ا زا ن منحرف بگردا ند . پلان گذا ری و غلط

جلوه‌دادن حقایق، دردکتورین وتجارب تاریخی پالیسی جدیداقتصادی لینن موردا ستفاده‌قرارداشته‌است .

احیای مجددمفکوره‌مردودشمردن ستالین

شایدمهمترین تخنیک استفاده‌ازمعرفی کردن پالیسی معتدل شوروی به‌منظورگول زدن غربیها در اواخر سال ۱۹۵۰ واوایل سال ۱۹۶۰ ورواج مجددبدگوئی از ستالین وموضوع تجددپسندی که‌به‌این موضوع ارتباط دارد، باشد. میتوان تقررپیرونوکین PERNUKIN را به حیث سفیراتحادشوروی درآلمان شرق درسال ۱۹۵۸وتبدیلی شلیپن بجای سیروف به‌حیث رئیس کاجی بی احیای حیثیت گروپ ضدحزبی که‌بنام ستالنیستها یادمیشدندو نسبت به اعمال گذشته‌شان شکنجه‌وآزارديده‌بودنددربیستمین کانگرس حزب کمونیست اتحادشوروی، رواج بازار انتقاد علیه‌خودستالین نسبت به‌آزاروشکنجه‌این گروپ و دور کردن جسدوازکنارلینن روشنی مزیدبراعمال مولوتوف وامثال آنرادرین سلسله‌یادآورشد.

پیرونوکین یکتن ازاعضای گروه‌مخالف خروسچف در جون ۱۹۵۷ درغرب شهرتی بهم رسانده‌بود. این شخص به حیث سفیراتحادشوروی درآلمان شرق وقتی مقررگردید که زمینه‌بحران سال ۱۹۵۸ برلین به‌حیث ستراتیجی بلوک فراهم میگردید. تقرراورا میتوان نخستین کوشش حساب شده‌برای گول زدن غربیها دانست. زیرا غربیها با شوق و اشتیاق تمام مقرری پیرونوکین را دلیل نفوذ متقدان در

دستگاه رهبری ومظهری از یک بحران بزرگ درداخل حزب کمونیست شوروی تلقی میکردند. درحالیکه این بحران، درچارچوب پالیسی طویل المدت طرح ریزی شده و طراح مهم آن نیزهیچکسی جزخروسچف نبوده است. اما قضیه سیروف رئیس سابق کاجی بی که جایش را شلیپن گرفت، شکل دیگری داشت به این معنی که سیروف ازدیرزمان، از حامیان خروسچف بودولی طوریکه گفته شد، مداخله آشکارای وی درتعذیب وشکنجه اشخاص، درگذشته، وروش بی خردانه اش برای تطبیق پالیسی درازمدت، که یک وظیفه مهم وخطیربودا ورا غیرمطلوب ساخته بود.

سابقه حیات شلیپن، که یک رهبرسابقه سازمان جوانان بودبه اویک قیافه کارآمدمی بخشیدواین خودبار دیگر خروسچف وشلیپن را درقطار رجال لیبرال درمی آورد.

انتقاددوباره دربیست ودومین کانگره حزب کمونیست اتحادشوروی برگروپ ضدحزب از قبیل مولوتوف، مالینکوف، وروشیلوف وسایرین نسبت به نقش گذشته شان درامرتحمیل فشاربرمردم شایدبهترین پلان محاسبه شده به نفع کسانی باشدکه برروش ستالین انتقادمیکردند. طرح این پلان مبارزه برای احرازقدرت پایان یافت وبه یأس یک تیم رهبران که هواخواه پیشبردپالیسی درازمدت بودندمنتهی گردید.

اختلاف "نمایشی" بین میانه روان وستالینستها با تصمیم بیست ودومین کانگرس حزب کمونیست اتحاد شوروی منعقده اول نوامبر ۱۹۶۱ ارتباط داشت که به اثر آن جسدستالین ازمقبره لینن خارج ودرکنار دیوار

کریملین دفن گردید. نمایش دراماتیک دیگر، امتناع شگفت‌آور افراد کاجی بی از ورشلوف بود که در مقابل خبرنگاران و دیپلوماتها او را از پیوستن به صف سایر رهبران شوروی بر سر مقبره لینن بازداشت تا رسم گذشت را بازدید نماید.

یک هدف دیگر این "نمایشهای روی ستیژ" در امر سرزنش ستالین این بود تا زمینه مساعدی برای بازگشت دشمنان داخلی به دوستان وفادار فعال فراهم گردد و در روشنائی آن، در پیشبرد پالیسی دراز مدت از یشان استفاده به عمل آید. خروسچف شخصاً با کودکان خانواده‌ها ئیکه رسماً اعاده حیثیت شده بودند ملاقات نمود.

به منظور درگیر ساختن همه سکتورهای جامعه شوروی، با پالیسی جدید اعاده حیثیت به ساحه خارج از سیاست نیز گسترش یافت. چنانچه خروسچف با دزدی ملاقات کرد و آنرا رسانه‌های گروهی شوروی با آب و تاب فراوان تبلیغ کردند.

دستگاه کاجی بی در اعاده حیثیت زندانیان سابقه و بازگشت آنان به درجات حزبی نقش خاصی به عهده داشت. این کاجی بی بود که بیاری اینچنین رجال شتافت و از طریق تماس با فابریکه‌ها و سایر انستیتوتها اپارتمان و مشغولیتی فراهم ساخت درین جمله آنانی را که برای کاجی بی موزون و مناسب بودند و از آن ها در مسایل سیاسی استفاده شده میتوانست تحت تربیه و آموزش گرفت.

واما توضیحات قضیه مولوتوف خیلی پیچیده است. براساس منابع رسمی و نیمه رسمی به سفارت منگولیا مقرر

درتولیدتشویق میشدوازطرفی هم فروشگاههای شخصی در شهرگسترش می یافت . ولی درمطبوعات شوروی حرفهای از ظهورسیستم سرمایداری وبازارسیاه وتجارت بازار سیاه زده میشد .

اعترافات یک ملیونربازارسیاه سابق در روزنامه ایزویستیا درسال های ۱۹۵۵ و ۱۹۶۰ بهچاپ رسیدونگرانی مطبوعات را درین موردتائیدمی نمود .

این امرحقیقت داردکهبهاشکال مختلف،فروشندگان خصوصی دراتحادشوروی وجودداشتهکهدران دهقانان کولکتیف ها وبرخی ازاشخاص انفرادی تولیدات زراعتی خود راکهازاراضی اطراف خانهخود ، بدست می آوردند ، برای فروش عرضهمیکردند .

دردوره (*NEP*) یاپالیسی جدیداقتصادی کهمالکیت شخصی وداددوستدخصوصی، مجازبود ، این فروشندگان شخصی بهاوج دورهقبل ازانقلاب رسیدهبودولی باختم مرحله پالیسی جدیداقتصادی، واشتراکی ساختن زراعت ، این نوع معاملات بهپائین ترین درجهخودکاهش یافت .درخلال جنگ عمومی دوم وبعدازان برای مدتکوتاهی بار دیگر رونق یافت ولی چندسالی کهستالین زمام قدرت را در دست داشت مجدداً سیرنزولی خودراپیمود . بعدازاینکه ستالین ازصحنهسیاست خارج شد ، باالغای عرضه اموال دهاقین ازاراضی متعلق بهخودشان بهدولت ، بار دیگر تشبث خصوصی انکشافکردوفروشگاههای خصوصی رنگ و بوی تازهای یافت . واکنون نیزبهدوشکل خاص فعالیت میکنندبهاین معنی کهدرشهرها دهقانان مزارع اشتراکی

شدتا با زعمای جمهوریت مردم چین تماسهای برقرار نماید هنوز مولوتوف بکار خود آغاز نکرده بود به مسکو فرا خوانده شد و در سال ۱۹۶۰ به‌حیث رئیس هیئت دولت متبوعش در اجنسی بین المللی انرژی اتوم در استریا مقرر گردید.

براساس ادعای ساتیکوف (SATYUKOV) رئیس تحریر روزنامه پراودا و سایر رهبران کمونیستی به شمول کوزینین، در موقع برگزاری بیست و دومین کانگرس حزب کمونیست اتحاد شوروی مولوتوف، به‌اعضای کمیته مرکزی حزب نامه ایرا توزیع و مسوده پروگرام جدید حزب را مورد انتقاد قرار داده آنرا یک پروگرام تجدد طلبی و غیر انقلابی و پاسفیست خواند.

مولوتوف درست موقعیکه بیست و دومین کانگرس حزب کمونیست اتحاد شوروی دایر گردیده بود از و یا نافرا خوانده شد ولی در جلسات او را اجازه شرکت ندادند و بعد از گذشت چند روز مختصر، مجددا راهی ویانا گردید که میگویند آنجا در خانه محبوس بود. چند روز بعد تر با زبه مسکو با زگشت. به تاریخ ۸ جنوری ۱۹۶۲، وزارت خارجه شوروی گزارش داد که عنقریب عازم ویانا خواهد شد ولی این گزارش هرگز تحقق نپذیرفت.

درین مورد، داستانهای عجیب و غریبی گفته میشد. مولوتوف را به منگولیا فرستادند تا او را تجرید کنند و در سرویس دپلوماسی پرستیژ او را پائین بیاورند. در آنجا ذریعه جاسوسان جنرال دوبرینین، رئیس مشاوران سرویس امنیتی حکومت مغولستان خارجی و سابق رئیس نظارت کاجی بی تحت نظر بود، برقراری تماسهای غیر رسمی

بین او وحکومت چین بعید می نمود زیرا اگر چنین تماسها صورت می گرفت وگزارش این تماسها بدست می آمد نا ممکن بود که او را به حیث رئیس هیئت اتحادشوروی و کمیسیون انرژی درویانا مقرر میکردند. وی مانند مالنکوف، بولگانین و امثال آنها در یک شهرگمنام شوروی فرستاده شدند تا تقاعد کنند. گذشته از ان عین چنین رفتار خشن، با دیگران نیز به عمل آمده وگزارشهای اندرین زمینه در دست است بدین معنی که به اعضای حزب نامه های محرمانه ارسال واز سلوک ضدحزبی اخطار داده شده است. ولی در مورد مولوتوف اینطور رفتار صدق نمی کند در جلسات محرمانه حزبی که معمولا" انتقادات علیه چنین شخصیتها صورت می گیرد نیز مطلبی درباره مولوتوف ثبت نشده است. علاوه بران انتقادی که وی علیه پروگرام حزب کرده بود، یک حرکت نامناسب وبی موقع بود به دلیل اینکه این پروگرام به اساس فیصله بیست ویکمین کانگرس حزبی منعقده نوامبر سال ۱۹۶۰ طرح ودران پالیسی وستراتیژی جدید وانقلابی بلوک را تصویب کرده بودند. لهذا انتقادبی اساس مولوتوف برین پروگرام درداخل نهضت کمونیستی بحث خنده آوری را باعث شد.

درهرصورت مولوتوف برپالیسی خروسچف دوسال قبل از انعقاد بیست ویکمین کانگرس حزب کمونیست انتقاد کرده بود. وی انتقادات خودرا علیه فیصله کانگرس که به امضای استینوف رسیده بود، بصورت محرمانه به اعضای حزب ارسال کرده بود. ناگفته نماند که ولادیمیر استینوف بعدا به حیث منشی حزبی شهر ماسکو ارتقا یافت.

می گفتند انتقاد مولوتوف مخلوطی از دوگماتیزم و اقتباساتی از گفته‌های لینن بوده‌است . این نکته از طرف سایتاکوف مدیر روزنامه پراودا تذکر داده نشده و در حقیقت از طرف زعامت شوروی به‌اطلاع عامه هرگز نرسید .

از این لحاظ معقول این است که استنباط شود لهجه انتقاد عملی مولوتوف ، در سال ۱۹۵۹ نخست ملایم شد بعد وقتی به‌نشر رسید که پالیسی سال ۱۹۶۱ ـ آنرا مناسب و موجه میدانست . این امکان هم وجود دارد که مولوتوف با فهم خودش درین راه استعمال شود و به‌حیث یک عضو حزب ، چاره‌ای نداشت جز آنکه آنرا بپذیرد .

از نشرات و تبلیغات غیرعادی رفت و آمد مولوتوف بین ماسکو و وین شاید مرادا این بوده باشد تا توجه غرب را درست در موقعی به‌این موضوع جلب کند که اختلافات اتحاد شوروی و جمهوریت مردم چین نیز روبه‌انکشاف میگذاشت .

به‌ارتباط این موضوع باید اضافه شود که سیتاکوف درحالیکه‌از طرف میکویان و سایر نطاقان حزبی پشتیبانی میشد مولوتوف را محکوم کردند که اختلافات سیاسی را به امپریالیزم پیشگوئی کرده و این مفهوم جنگ را دارد . همچنان میکویان مولوتوف را متهم کرد که همزیستی مسالمت آمیز را رد کرده‌است . سایر اعضای حزب ادعا می کنند که مولوتوف با برقراری تماس دپلوماسی به‌سطح عالی بین اتحاد شوروی و غرب مخالفت میکرد .

سیتاکوف با این جمله جواب مولوتوف را داد : ما به مولوتوف میگوئیم نی. حزب کمونیست اتحاد شوروی سعی نهائی خود را مبذول میدارد تا براساس پالیسی لیننیست

که متکی برهمزیستی مسالمت آمیز میباشد صلح برای اتحاد شوروی تضمین گردد .

معلوم میشود که خصلت جنگ افروزی مولوتوف علناً علما در معرض دید همه گذاشته شد و تبلیغات وسیعی به راه افتاد تا بدین ترتیب چهره اعتدال پسندانه زعامت شوروی و علاقه جدی آنکشور را با مقایسه با مولوتوف به همزیستی مسالمت آمیز و تشنج زدائی منعکس بگردانند .

سایتوکوف دو اتهام دیگر نیز بر مولوتوف داشت که شایسته تحلیل و بررسی است . اعتراض نخستین سایتوکوف بر مولوتوف این بود که وی کوشیده است خود را ترجمان افکار لینن معرفی کند و دودیگر اینکه اوپروگرام جدید حزب را پسیفیست و غیر انقلابی می شمارد . این هر دو اتهام قبلاً علیه کشورهای کمونیستی که اتحاد شوروی با آن مخالفت داشت ، بکار میرفت .

طوریکه قبلاً توضیح رفت مسایل تجدد پسندی و انحراف ستالین از اصول و مبادی کمونیزم بین زعمای کمونیستی بلاک در پایان سال ۱۹۵۷ کاملاً حل گردید دیگر موجودیت اختلافی بین احزاب کمونیستی مفهومی نداشت در اخیر به این نتیجه میرسیم که تازه ساختن این قضایا در بیست و دو مین کانگرس حزب کمونیست ، یک حرکت ساختگی و جعلی بود و بس .

باید بخاطر داشت که یکی از اهداف تظاهر به اختلافات این بوده است که اعتبار اتحاد شوروی را دایر به اینکه روس اعتدال را در پیش گرفته درجهان بالا ببرد و خروسچف به حیث یک ریوزیونیست معرفی شود . و این دلیل دیگری است

ازینکه معتدل بودن اتحادشوروی کدام بنیادواساسی هرگزنداشته است .

موقف ساینتست ها وسایرروشنفکران :

کمیته مرکزی وکاجی بی مساعی زیادی در سالهای ۱۹۵۸–۶۰ بخرج دادتاازساینتیستها ، نویسندگان وسایر روشنفکران برای مقاصدسیاسی ودروغگوئی مطابق خواست پالیسی جدیددرازمدت استفاده به عمل آید . این پیشآمد جدیدبا روشنفکران هدف داخلی داشت .همکاری روشنفکران دربرخی مسایل سیاسی تقاضا میشدوبه این ترتیب رژیم ، آنان راازمخالفین، منزوی میساخت واما هدف خارجی از این اقدام آن بودتا روشنفکران بمنظوراجرای اهداف ستراتیژی درازدهلان عامه غرب وحکومات آنان نفوذ وارد کندواین برعلاوه جاسوسی علیه یک دیگربودکه قبلا" عملی شده بودوخوب هم پیش میرفت .

استعمال ساینتیست ها مخصوصا بحیث اجنت اعمال نفوذودرعین زمان طریقه پخش اطلاعات دروغ ، ستاتوی آنها رایکسره تغییرداد .

دستگاه کمیته مرکزی وکاجی بی ووراء رب خارجه اتحاد شوروی روابط نزدیک خودرا با دانشمندان وعلما توسعه دادند . به برخی ازآنان بصورت منفردآموزش جاسوسی دادندوبرخی هم درمکتب جاسوسی شامل شدند .

رژیم بجای اینکه مانندگذشته آنان را بصورت تک تک درداخل اتحادشوروی تحت مراقبت داشته باشدبرعکس

مناسبات را با آنها در داخل بهتر ساخت وضمنا زمینه مسافرتهای بخارج برای شان فراهم گردید با این مقصد که مناسبات شانرا با دانشمندان غربی توسعه بدهند وازین توسعه روابط به نفع رژیم بهره برداری کنند وبه پخش اطلاعات دروغ بپردازند.

شکایات کاپیتسا واندری سوخاروف اکادیمیسین های ناراضی وزورس میدویدیف عالم بیولوجی درمورد مشکلاتی که دانشمندان اتحاد شوروی با آن مواجه هستند واز اینکه میل دارند به خارج مسافرت کنند وبا هم مسلکان خود در غرب دیدارهای به عمل آرند ویا اینکه دانشمندان غربی از فقدان تماس با علما وساینتیست های شوروی انتقاد می کردند با اعزام دستوری دانشمندان شوروی به غرب ،دیگر ارزش سابق خودرا نداشت . بجای آن این تماسها بدستور کمیته مرکزی وکاجی بی دیدارهای تنظیم میشود دانشمندان دستوری کاجی بی نیزدرجمع آوری اطلاعات ازغرب و پخش اخبار واطلاعات دروغ به جانب مقابل وکوشش برای اعمال نفوذ سیاسی توجه غربیها رااز اصل موضوع منحرف میسازد . درحقیقت امر اکثریت ساینتیستهای اتحاد شوروی رضا کارانه عضویت دستگاه جاسوسی را علیه دانشمندان غربی پذیرفتند به امیدا ینکه چنین کارتماس شانرا با هم مسلکان غربی شان فراهم خواهد ساخت ودرنتیجه به دانش شان خواهد افزود ودرپیشرفت کارشان نیزکمک خواهد کرد . از قبیل فادیف FADEYEV نسبت به اینکه جاسوسی هم مسلکان روسی خودرا بکنند ، بهتردیدند این جاسوسی را درمورد دانشمندان غربی مبذول دارند که کیفیت بهتر

دارد .

استفاده دانشمندان شوروی به‌حیث ایجنت نفوذ و طریقه‌پخش اطلاعات دروغ ، پالیسی شوروی را درموردفاش ساختن اطلاعات محرمانه‌تغییرداد . بهمه‌حال در ساحات بسیار مهم ، مخصوصا پروسه‌طرح سیاست وتخنیک تطبیق آن ، بگونه‌گذشته‌همچنان محرمانه‌وسری نگهداشته‌میشدو تنها ساحات مشخص ساینس وجامعه‌شوروی درمعرض نشر و اشاعه قرار می گرفت . روی همرفته‌مجموع نشرمسایل محرمانه اتحادشوروی نسبت به‌عصرستالین کمتراست .

تقرب زیادساینتیست های شوروی، به‌دستگاه دولت علاقمندی آنان را برای سهم گیری در" مرحله تکامل " سیستم شوروی مضاعف میسازد . اما مهمترازهمه تماس ساینتیست های شوروی با علمای غربی، این احساس راکه اتحادشوروی وامریکا ، علایق مشترک دارند ، بیشتر تقویت کرد . نفوذاجنت های کاجی بی، ازقبیل توپچیف TOPCHIYEV ارتوبولیفسکی ARTOBOLEVSKY وکا - وستوف درکنفرانسهای بین المللی علمی ونقش آنان در پیشبردمفکوره‌شوروی درجلوگیری ازیک جنگ هستوی که با ایالات متحده‌امریکا علایق مشترک دارند ، ایالات متحده امریکا را به‌این عقیده‌کشاندتا درمذاکرات کنترول سلاح هستوی وخلع سلاح با اتحادشوروی سهم جدی بگیرد و بعد دراوایل سال ۱۹۶۰ به‌انصراف درجهت سلاح هستوی بپردازدبه‌امیداینکه‌اگرایالات متحده‌امریکا ازمقدار سلاح هستوی خودبکاهد ، اتحادشوروی نیزازین روش تبعیت خواهدکرد .

کا جی بی، همچنا نیکه سا ینتیستها ی کشورخودرا د ر پیشبردا هدا ف دولت بکا را نداخت درموردنویسندگا ن نیز، مخصوصا نویسندگا نی کهشهرتی بهم رسا نده بودنددرسا حات دا خلی وخا رجی بکا را ندا حت . پلاسها ی سلیپس بها سفا - مت درژ-نسکی DZERZHINSKY درمبا حثات کنترول شد ه بین نویسندگا ن محا فظهکا رولیبرا ل ا ثرات قا طعی ببا ر آوردبدلیل ا ینکهقهرما نا ن هردوطرف کوچیتوف وتورودو سکی چهرهها ی دستوری کمیتهمرکزی وکا جی بی بودند کـه با ا ین دستگا ه ا زدیربا زهمکا ری میکردندا ین بحـــث و مذا کرهتوأ م با ا نکشا ف سا لها ی کلتوری بین شرق و غرب سیجهسمربا ری را برا ی تعویب مبا نی (تکا مل)ببا رآورد.

اهداف ستراتیژیکی نشر اطلاعات دروغ درتکامل تدریجی اعتدال

هدف مهم خا رجی ستراتیژیکی نشرا طلاعا ت دروغ د ر ا وا یل سا ل ۱۹۶۰ ذریعهرژیم شوروی وپیش کشیدن مفکوره علایق " مشترک با غرب " ا یجا دیک فضا ی مسا عد ، بـــرا ی پیشبردیک دپلوما سی فعا ل دیتا نت دریعها تحا د شوروی و سا یرکشورها ی کمونیستی وپا سخگوی غلط عربیها در برابر ا بتکا را ت دولتها ی کمونیستی بودها ست . پنج هدف مهم دردپلوما سی کمونیستی بدین قرا ربود .

- تخریب ا تحا دغربیها
- وا دا رکردن کشورها ی پیشرفتهصنعتی درراهانکشاف ا قتصا دی ونظا می بلا کا رطریق توسعه تجا ر ت

شرق و غرب ، تحصیل قرضهای طویل المدت وحصول تکنالوژی پیشرفته از غرب .

- انحراف توجه غربیها ، از افزایش قدرت نظامی بلاک وخاصتا اتحاد شوروی.
- مصروف ساختن غرب ، مخصوصا ایالات متحده امریکا را به مذاکرات کنترول سلاح وخلع سلاح به منظور برهم زدن بیلانس نیروی نظامی به نفع بلاک کمونیستی .
- ایجاد شرایط مساعد برای احزاب کمونیستی تا جبهه متحدی با سوسیالیستها و اتحادیه‌های کارگری درکشورهای پیشرفته وبا نهضتهای نشنلیستی در کشورهای روبه انکشاف .

ولی هدف مهم این طرح درداخل اتحاد شوروی و تقویب مطلوب آن ذریعه نشر اطلاعات دروغ ایجاد شرایط مناسب جهت اعمار مزید سوشیالیزم وخنثی ساختن مخالفین آنان، کشوررا بسوی کمونیزم سوق دادن وتخفیف فشار خارجی ذریعهٔ ممالک غربی بود .

اما تجدیدا نتقادونکوهش از روش ستالین این بود که از عملیات نشر اطلاعات دروغ حمایت شودتا عدم اتحاد و نفاق درجهان کمونیستی که ناشی از کاهش نفوذ ایدئولوژی وظهور مجدد میلان بسوی ملی گرایی دراحزاب کمونیستی درداخل وخارج بلاک بوجودآمده است ، برطرف گردد .

دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا درسال ۱۹۶۸

تعبیر غربیها :

بطوریکه در مطبوعات کمونیستها و غرب گزارشهای نشر شد زعمای حزب کمونیست چکوسلواکیا اصلاحات مهم اقتصادی وسیاسی را درخلال سال ۱۹۶۸ درچکوسلواکیا اعلان کردند ، درساحه اقتصاد نیز چنین آزادیهای عملی داده شد چنانچه بهروءسای فابریکه ها آزادی بیشتری اعطا گردید و انگیزه مفاد و اصول بازاریابی قسما بکار انداخته شد . در ساحه سیاسی نیز انکشافات جالبی بمیان آمد . منابع کمونیستی فاش ساختند که بین محافظه کاران (ستالینیست ها) که از طرف تووتنی رئیس جمهور رهبری میشد و لیبرالها و یا ترقی پسندان، بهرهبری دوبچک منشی حزب کمونیست سلواک مبارزه سختی درگرفته بود ، درجنوری ۱۹۶۸ بالاخره لیبرال ها بهرهبری دوبچک درین مبارزه فیروز شدند و دوبچک جای تووتنی را بحیث رهبر کشور اشغال کرد .

رژیم جدید جنایاتی را که ذریعه زعامت گذشته صورت گرفته بود ، فاش ساخت و کیش شخصیت پرستی زعمای سابق را محکوم و صلاحیت سرویس های امنیتی را کاهش و ساحه حقوق سیاسی افراد را گسترش داد . سانسور برداشته شد به روشنفکران آزادی بیشتر اعطا گردید ، شرایط مسافرت خارجی ها انکشاف کرد و حتی امکانات تشکیل یک حکومت غیر کمونیستی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت .

وبعضی اشخاص انفرادی تولیدات خودرا عرضه میکنند و همچنان با زارسیاه کوچکی مخصوصًا درلیننگرادوماسکووجود داردکه تبادله مال با اسعارسخت بین دلالان ومحتکران روسی ودیپلوماتهای خارجی وجهانگردان جریان دارد.

ولی انکشاف مارکیت های اساسی، سخت محدود است چونکه اجازه فعالیت بیشتربرای دهقانان وسایرکارگران، با قانون تشبثات خصوصی وفق نمی کنند، بلکه بر عکس تشویق زیاددرا مرافزایش تولیدات متوجه تشبثات خصوصی نی بلکه کولکتیفهای زراعتی وصنایع وتجارت مربوط به دولت گردیدبدین صورت که تا دولت اجازه قانونی نمیداد، تشبثات خصوصی با سکتوردولتی هرگزرقابت کرده نمی توانستندوحکومت اتحادشوروی نه تنها هیچ علایقی دال به تمایل این امرنشان نمیداد. بلکه طریق مخالفت پیشه کردودربرابرسکتورخصوصی موانع ایجادنمودوپالیسی حزب نیزتاکنون برتضعیف موقف سکتورخصوصی استواراست.

طوریکه دیپلوماتهای خارجی آگاهندبازارسیاه یک عمل غیرقانونی ونهایت محدوداست. ولی آنچه مردم کمترا طلاع دارندا ین است که ذریعه دیپارتمنت خاص کا جی،بی کنترول وعملا" به نفع خوداز ان بهره برداری می کنند، این دیپارتمنت درسال ۱۹۵۹ تاسیس گردید که با عین شعبه ای گی پا او GPU درمرحله پالیسی جدید اقتصادی شباهت دارد. وظیفه این سازمان جدیدالتاسیس کنترول فعالیت احتکارگران محلی وبازرگانان خارجی است وکارمندان دیپلوماتوسیاهان خارجی که در تبادله اسعاروغیره فعالیت دارندباج می گیرند.آمراین دیپارـ

اتحادشوروی که‌ازین انکشافات احساس خطرمیکرد ، این فعالیتها را زادهٔ دشمنان انقلاب تعبیرکرد . درماه آگست قوای پکت وارسا به‌چکوسلواکیا مارش کردند بدون آنکه‌ازطرف اردوی آنکشور مقاومتی صورت بگیرد . اوضاع سیاسی وارونه‌شدودوبچک وسایرلیبرالها عوض شدندوبجای آن یک دست نشانده‌روس رویکارآمد .

جریده‌نگاران، دانشمندان وماموربن، غربی قسمت اعظم توجیهات وتعبیرات شان را درموردوقایع‌چکوسلواکیا ازمنابع کمونیستی بدست‌آورده‌بودندازبحران آن کشوربه‌حیث یک انقلاب صلح آمیزودیموکراتیک ، با شور وسعت استقبال کردند ، آنها پذیرفتندکه‌قهرمانهای مبارزه ومحافظه‌کاربین هم به‌مبارزه‌برخاسته‌اند . آنها رفورم دوبچک را یکنوع دیموکراتیک درسوشیالیزم با حقوق بشر تعبیرکردندواشغال چکوسلواکیا ذریعه‌قوای پکت وارسا ، احساسات همدردی را به‌نفع دوبچک رژیم اووسوسیالیزم جدیداو ، برانگیخت .

بصورت عمومی چارفکتوروجودداشت که‌غربیها را وادارمیساخت‌آزادی رژیم چکوسلواکیا را توجیه‌پذیربدانند نخست‌سهضت آزادیخواهی درکشوری آغازیافت‌که قبل از کودتای کمونیستها درفبروری ۱۹۴۸ دیموکراسی بصورت سنتی برپایه‌های محکمی وجودداشت . چنبش‌آزادی در موردچنین کشوری احیای مجددديموکراسی تلقی میگردید. دوم اینکه‌زعمای حزبی این کشور ، درانتقادشان علیه اتحادشوروی وتمایل به‌تاسیس احزاب غیر کمونیستی و انتقادعلیه‌افسران امنیتی شوروی وچکوسلواکی نسبت‌به

جنا یا تی که علیه زعما وسرا ن آنکشورا زقبیل یان ما زا ریک وزیرخا رجه سا بق مرتکب شده بودندپا جلوترگذا شته بودند .

فکتورسوم ا ین بودکه روسها ذریعه رسا نه های گروهی خودبررژیم دوبچک ا زیکطرف وتمرکزقوا ی پکت وا رسا بر سرحدا ت مشترک چکوسلوا کیا وپولینداا زطرف دیگرفشـــا ر زیا دوا ردمیکردند . فکتورچا رم ا ینکه یک تشا به نزدیـــک بین حوا دث چکوسلوا کیا درسا ل ۱۹۶۸ و حوا دث هنگری د ر سال ۱۹۵۶ دیده میشد .

برحسب ا دعا ی تحلیلگرا ن غرب ا زین حوا دث ، بر ا نداختن نووتنی ا زا ریکه قدرت ذریعه ترقی پسندا ن بـا همکا ری عده ا زا قتصا ددا نا ن آ زا دفکروروشنفکران نا را ضی با چندتن ا زز عما ی کمونیستی ا زقبیل دوبچک با یدصور ت گرفته با شد ، ا ین تحلیل ازچن ا حیه یک تحلیل ضعیف ا ست که چگونه ا ین ا تحا دتوا نسته موء فقا نه یک ا نقلاب دیموکراتیک را علیه یک نظا م خودکا مه که ا زحما یت قوا ی عسکری وسرویس ا منیتی نیزبرخوردا ربود ، برا ه ا ندا زندبدون آنکه یـک مرمی نیزآ تش شود .

ا شتبا ها ت غرب :

یکی ا زا شتبا ها ت ا رزیا بی غربیها درموردچکوسلوا کیا درسا ل ۱۹۶۸ ا ین بودکه وقا یع ا ین سا ل را جدا ا ر حوا دث گذشته موردمطا لعه وتحلیل قرا ردا دند . متأ سفا نه تغییرا تی که درداخل بلا ک ا تفا ق ا فتا ده وتطبیق پالیسی طویل ا لمدت بین سا لها ی ۱۹۵۷-۱۹۶۰ شرا یط جدیدی ر ا

ایجاد کرده درنظرگرفته نشدوبالاخره از متودولوژی کینه درارزیابی حوادث استفاده کرده بودندهمچنان فراموش کرده بودندکه تغییرات سیستماتیک واردبرنشراخباردروغ راکه ذریعه منابع تحت کنترول حکومتهای کمونیستی صورت می گرفت وماموربن وروشنفکران نیزسمهی بارز در آن داشتند ، درارزیابی خوددرنظربگیرند .

تعبیرغلط ازدیموکراسی ساختن چکوسلواکیا :

متودولوژی جدید ، دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا را معکوس تعبیروترجمه میکند . متودولوژی جدید ، حوادث چکوسلواکیا را یک انکشاف شادی بخش میداندبلکه معتقد است که این انکشاف حاصل یک مانوره محاسبه شده و تحت کنترول بوده وتطبیق اهداف پالیسی درازمدت بوده است .

یک دلیل عمده برعلیه این نظر ، این است که "دیموکراسی ساختن " چکوسلواکیا درست طوری عیار شده بودکه ستراتیژی کمونیستها برای اروپای غربی، تقاضا مینمود. دلیل دیگراین بودکه درخلال هرج ومرج سال ۱۹۶۸ چکوسلواکیا به حیث یک عضوفعال کمیکون وپیمان وارسا باقی ماند .

رهبای حزب چکوسلواکیا سرویس امنیتی وجاسوسی و رژیم بصورت کل، درفورمول بندی، تنظیم و تطبیق پالیسی درازمدت بلاک درخلال سالهای ۱۹۵۸-۱۹۶۰ سهم فعالی را به عهده داشتند .

سوربتی، دفعتا با رهبای اتحادشوروی مخصوصا "

خروسچف بنای مفاهمه‌ومشورت راگذاشت ، ورئیس جمهور چکوسلواکیا ویاران او ، مخصوصا هندریچ، عضو حزب که مسئول ایدئولوژی وتماس با روشنفکران بود ، درفورمول بندی پالیسی، تا جائیکه‌په‌چکوسلواکیا ارتباط داشت ، نقش اساسی را بازی میکردند .

یک هیئت حزبی چکوسلواکیا به‌رهبری نووتنی در کانگرس هشتادویک حزب کمونیست منعقده‌نوامبر ۱۹۶۰ . مسکو، اشتراک ورزید . درهمین کانگرس بودکه‌ستراتیژی وپالیسی طویل المدت بلاک برای نهضت بین المللی کمونیزم به‌تصویب رسید .

این ها یکسلسله‌شواهدی است دال برینکه‌نقش خاص ستراتیژیکی چکوسلواکیا درسال ۱۹۶۰ لااقل بشکل ظاهر نقش خودش را بازی میکرد ، و آمادگی برای مانوره‌دیموکراسی ساختن بلا فاصله‌بعدازان آغازگردید . در سال ۱۹۶۱ دوبچک ازاتحادشوروی دیدن کرد ، وباسوسلوف تیوریسن کمیته‌مرکزی آنکشورمذاکراتی انجام داد . در ماه‌جون وجولایی یک هیئت چکوسلواکی مشتمل برکارگران حزبی به‌رهبری لیبارد LENARD راهی اتحاد سوروی شدتا طرح کار CPUS سرویس جاسوسی وامنیتی اتحادشوروی ازفبروری ۱۹۲۲ تاجولایی ۱۹۲۴ راارزدیک ببینند . در جون ۱۹۶۲ نووتنی به‌ریاست یک هیئت دیگر به اتحاد شوروی عزیمت کرد ، هماهنگی سرویسهای امنیتی وجاسوسی بین اتحادشوروی وچکوسلواکیا وسایراعضای بلاک درامر تطبیق پالیسی درازمدت که‌ازسال ۱۹۵۹ آغاز یافت ، کاملا" سرقرارشود .

باراک ، وزیردا خله‌چکوسلواکیا ونما یندگا ن سا یر وزا رت خا نه‌ها ی کشورمذکوردرکنفرا نسها ی ا منیـــــت و جا سوسی بلا ک منعقده‌ما سکومرتبا درهمین سا ل ا شترا ک میورزیدندگذشته‌ا زا ن سرویسها ی ا منیتی وجا سوسی چکو- سلواکیا به‌عضویت مرکزهمآ هنگی سرویسها ی ا منیتی وجا - سوسی بلوک راکه‌مرکزآ ن ما سکوبود ، بعهده‌دا شتند .

ا زسا ل ۱۹۵۹ تا سا ل ۱۹۶۸ نووتنی ووزیردا خله ا ش (با راک تا سا ل ۱۹۶۱) بصورت فعا لانه‌درا مرا نحلال مخالفین جعلی درچکوسلواکیا ، مطا بق دستوری که‌شلیپن دا ده‌بو د درا تحا دشوروی تطبیق میشد ، کا رمیکرد .

درحقیقت ، ا ضمحلال مخالفین ،با ا محا ی مجددحیثیت وعفوعمومی، عملاً" دیگرا همیتی ندا شت . رژیم نووتنـــی عفوعمومی را درسا لها ی ۱۹۶۰-۱۹۶۲ و ۱۹۶۵ ا علان کرد کـه عفوعمومی سا ل ۱۹۶۰ آ ن خیلی جا لب بودبه‌دلیل ا ینکـــه جنا یتکا را ن درین عفونیزشا مل بودند . آخرین عفـــــو عمومی درسا ل ۱۹۶۸ تحت زعا مت دوبچک صورت گرفت وا ین دوا م پا لیسی ا ی بودکه‌ا زطرف نووتنی وبا راک رویدست گرفته‌شده‌بود .

نقش موء رخین وا فتصا ددا نها دردیموکرا سی سا ختن .

یک ا نکشا ف متوا زن وهمآ هنگ درخلال سا لها ی۱۹۶۸- ۱۹۵۹ بین پا لیسی ا ستما لت خروسچف وشلیپن و زعمـا ی چکوسلواکیا موجودبود . خروسچف وشلیپن نویسندگا ن ، ا قتصا ددا نا ن، موء رخین وسا یرروشنفکرا ن وا عضا ی حز ب

را که تجدید حیثیت و پرستیژ شده بودند به فعالیت سیاسی وا-
داشته بودند. چکوسلواکیا نیز از این روش پیروی میکرد.

در سال ۱۹۶۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلوا-
کیا، دو کمیسیون از متخصصین را تاسیس کرد. ریاست یک
کمیسیون را گوستاف هوساک معاون رئیس بعهده داشت و
سی و شش تن از موءرخین اعضای این کمیسیون را تشکیل
میداد. کمیسیون دیگر، گروپی از اقتصاددانان بود که
اوتازیک OTASIK از آن ریاست میکرد و این شخصی بود
که بعدا به حیث معاون صدراعظم در حکومت دوبچک ارتقا
یافت. کمیته مرکزی احصائیه های محرمانه و دوسیه های
خاص را برای این دو کمیسیون آماده میساخت.

سال ۱۹۶۳، بدین جهت مهم و خاطره انگیز بود که از
تصویب اجرای پالیسی درازمدت بلاک سه سال میگذشت در
حالیکه از دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا هنوز پنج سال
مانده بود. کمیسیون در دوره نووتنی تاسیس یافته بود،
سپس هوزاک و ازیک در جنبش دیموکراسی ساختن چکوسلوا-
کیا از قیافه های برازنده شدند و به حیث رقیب نووتنی عرض
اندام کردند. وقتی این حقایق را کنار هم قرار بدهیم
میتوانیم به این نتیجه برسیم کمیسیونی که تحت زعامت
نووتنی در داخل چوکات کار پالیسی درازمدت و به منظور
پایه گذاری حوادث ۱۹۶۸، بوده است گذشته از آن در این
قضیه، همکاری نزدیک بین اتحادشوروی و چکوسلواکیا
وجود داشت.

چنانچه کمیسیون اقتصادی براساس دستور خروسچف
در یعه نووتنی تاسیس گردید. موءرخین شوروی خود را برای

حمایت پالیسی درازمدت درخلال همین مدت مجهز ساختند مخصوصا اکادیمیسین خوستوف دراین فعالیت سهم مهمی بدوش داشت .

نقش باراک وزیک :

نقش باراک ، برطرفی اودرفبروری ۱۹۶۲ و اعاده حیثیت وظهورمجددا ودرجامعه درسال ۱۹۶۸ کاملا" معکوس تعبیروتفسیرگردد .

باراک ازسال ۱۹۵۳ تاسال ۱۹۶۱ وزیرداخله و عضو صدرهیئت رئیسه حزبی از ۱۹۵۴ تا فبروری ۱۹۶۲ بود . به حیث وزیرداخله ودرسازماندهی پالیسی طویل المدت نقش عمده‌ای را ایفا کردوباشلیپن رئیس کاجی بی اتحاد شوروی ارتباط خیلی نزدیک داشت ، جنرال کورنکوف رئیس انستیتوت کاجی بی، بعدازبرگشت یک هیئت کاجی ، بی ازچکوسلواکیا که اوعضواین هیئت بودبه ستاف و محصلان انستیتوت گزارش داد که کاجی بی روابط بسیار نزدیک با سرویس امنیتی چکوسلواکیا دارد که سایر اعضای بلاک به‌پایه‌آن نمیرسند .

جالب توجه است که پلان گرارن وکنوکراتهای جوان بشمول اوتازیک که‌به‌حیث اعضای کمیسیون اقتصادی در سال ۱۹۶۳ منسوب شدند ، ونقش اساسی را درتصویب ریفورم اقتصادی درسال ۱۹۶۰ بازی کردندباراک در سال ۱۹۵۰ واوایل سال ۱۹۶۰ تماس خیلی نزدیک داشتند. وقتی بپذیریم که‌باراک دروقت پلان گزاری پالیسی طویل

المدت ونقش جدیدسرویس امنیتی وجاسوسی، سهم موثری داشت آنوقت این تکنوکراتهای جوان برای نمایش "دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا" که سخت تحت کنترل بودبرای اجرای رول خودشان آمادگی میگرفتند.

بتاریخ ۹ فبروری ۱۹۶۲ درمطبوعات چکوسلواکیا اعلان شدکه با راک گرفتار روبه‌جرم اختلاس دارایی عامه به‌پانزده‌سال حبس با اعمال شاقه محکوم گردیدولی درماه می ۱۹۶۸ ازحبس رها وتوضیح داده‌شدکه‌پول موصوف اختلاس نشده‌بلکه‌برای سرویس جاسوسی چکوسلواکیا به مصرف رسیده‌است. باراک بعدا فاش ساخت که‌نووتنی ازترس جان خودش، اورا ازکاربرطرف کردتا مبادا وی قربانی تکنوکراتها واقتصاددان های جوان شودوفکرمیکردکه باراک ازطرف آنان محاصره‌شده‌است.

درصورتیکه‌باراک درشکل بندی پالیسی طویل المدت درخلال سالهای ۱۹۵۹–۱۹۶۱ سهیم بوده‌باشد، پس گرفتاری وحبس وی درفبروری ۱۹۶۲ یک حرکت جعلی وساختگی است وبه‌منظورتحریف تحلیلگران غربی، دربارهٔکیفیت واقعی مناسباتش با تکنوکراتها بگونه‌سیک میتوان تلقی گردد. همچنان امکان داردبرای این شخصیت برجسته پولیس مخفی، بعنوان یک اصلاح طلب لیبرال وقربانی اعمال نووتنی یک اعاده‌حیثیت جعلی تهیه‌کرده‌باشندواین خود کارسیاستمداران را درظهورمجددا وراد ررژیم جدیددرسال ۱۹۶۸ آسان میساخت. دربینجا یک انگیزه‌دیگرنیزدرباره صحنه‌سازی زندانی شدن باراک بی بنیادساختن گزارش موءلف این کتاب، درموقع پناهندگی به‌غرب در سال

دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا در سال ۱۹۶۸

۱۹۶۱ بوده باشد زیرا کاجی بی حتما کشف کرده باشد که مولف ارتماس نزدیک زعمای کاجی بی وسرویس امنیتی وجاسوسی تحت اداره بارک آگهی کامل داشته است.

همچنان شایعاتی موجود بود که بارک بجای اینکه مدت حبس خودرا درزندان سپری کند، محرمانه به ماسکو فرستاده شد تا درمرکز هماهنگی جاسوسی وامنیتی بلاک در مسکو از حکومت چکوسلواکیا نمایندگی کند.

ظهور مجدد او در چکوسلواکیا در ماه می ۱۹۶۸، شاید به این منظور بوده باشد تا مسئولین هماهنگ کننده پشت پرده را درحوادث این سال به عهده بگیرد. موجودیت این شخص بحیث مغز متفکر در پلانگزاری درخلال بحران، در محل جریانات، یک امر ضروری شمرده میشد.

روابط سیک با بازاک وتقرروی از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا تحت زعامت نووتنی بحیث رئیس کمیسیون اقتصادی درسال ۱۹۶۳ نقش اورا درتطبیق ریفورم اقتصادی، حمایت وی از دوبچک درسال ۱۹۶۸ – و شرکت وی درحکومت دوبچک، نباید مظهری از خواستهای شورانگیز شخصی خود او تلقی گردد بلکه اجرای یک وظیفه‌ای بود که حزب بمنظور تطبیق پالیسی طویل المدت به او واگذار کرده بود.

مقرری او درسال ۱۹۶۳ مصادف به دوره‌ای بود که در اتحاد شوروی حرفهای از اقتصاد آزاد زده میشد و شاک را – لیبرمن چکوسلواکیا میدانستند، ولهذا این مقرری، یک امر تصادفی نبود.

نقش نویسندگان در دیموکراسی ساختن :

اگر به نقش حزب در تطبیق ریفورم اقتصادی چکوسلواکیا آگهی حاصل آید و اگر فهمیده شود که حزب کمونیست اتحاد شوروی تووا ردوسکی TVARDOVSKIY وکوشیتوف KOCHITOV را بحیث لیدران لیبرال و" محافظه کار " در اتحادیه نویسندگان تراشیدند ، آنوقت رول نویسندگان چکوسلواکیا را در دیموکراسی ساختن کشورشان در سال ۱۹۶۸ بهتر میتوانیم درک کنیم .

وقتی خروسچف در سال ۱۹۶۳ به حزب کمونیست چکوسلواکیا دستور داد به تاسیس یک کمیسیون اقتصادی بپردازد بعید نیست که او یا شلیپن به حزب وسرویس امنیتی چکوسلواکیا دستور داده باشد که بگونه تووا ردوسکی وکوشینوف نویسندگان اتحاد شوروی، نویسندگان چکوسلواکیا را در یک نهضت کنترول شده وقلابی لیبرالیزم مورد استعمال قرار بدهند . نویسندگان چکوسلواکیا در برطرفی نووتنی و جانشینی عوض دوبچک نقش برجسته ای بعهده داشته . بر سبیل تمثیل، در کانگرس نویسندگان منعقده می - جون ۱۹۶۷ لودویک واچولیک نویسنده لیبرال چکوسلواکی، یک عضو کمیته مرکزی وعضو هیئت تحریریه مجله لیترارنی لیستی LETERARYLISTY ویکتن ازمعتمدین دوبچک بود . گذشته ازان این شخص یک سلسله بیاناتی ایراد کرد که از آزادی بیان مایه می گرفت . دریک مقاله دیگر تحت عنوان " سوسیالیزم دیموکراتیک علیه نیوستالینست " سخت

تمنت سرگی میخا یلویچ فیدرسیف بودودرکا رخودمخصوصا " استخدا م ا مریکا ئیها بخوبی موء فق بودکه درسا ل ۱۹۶۱ به حیث رئیس دیپا رتمنت ا مریکا ئی ا رتقا نمودومسئولیت بهره‌بردا ری ا را مریکا ئیها یی سفا رت آ مکشوررا در مسکو به‌عهده‌گرفت .

گرا یش بسوی تجا رت خصوصی ا زهما ن آ غا ز ا نقلا ب اکتوبر ، درا تحا دشوروی وجودداشته‌است منتهی ا خبا ر گرفتا ریها ی ا ختلاسگرا ن ومحتکرا ن که‌به‌سرما یه دولت صا حب پول ومکنت شده‌ا ند ، درمطبوعا ت ا نعکا س نیا فته ا ست .

اگردربین سا لها ی ۶۲-۱۹۵۹ ا ین چنین گرفتا ریها ، درمطبوعا ت با زتا ب می یا فت درین صورت غربیها گمـا ن نمی کردندکه‌سرما یدا ری با ردیگردرا تحا دشوروی رونـق گرفته‌چیزیکه‌خودروسها نیزمشتا ق آ ن نیستندوچون ا یـن کا رنشدعقیده‌برا ن رفت که‌رژیم ظا هرا " آ شا روعلایم "سر- ما یدا ری را ا زبین میبردولی درعین حال میخوا هدسرما - یدا ری شبا ـ وا سنقرا ریا بد .

بعدا رختم سا ل ۱۹۵۰ تدا بیری به‌غرض تجدیدسا زمان دهی ا تخا دگردید . وقدرت زیا ددرا مرتدویرومنیجمنـت صنا یع محلی دا ده‌شدبدون آ نکه‌کنترول مرکز مفا بلتا " ضعیف گردد . شورا ی محلی ا قتصا دتوده‌ا ی تأسیس یا فت و سلطه‌ما مورین ا قتصا دی، شدیدترشد .

درترمینولوژی غرب ، ا ین ما مورین را به حیـث " کنوکرا تها " تعریف می کنندوهمین ها هستندکه‌مؤسسات صنعتی را تحت‌کنترول خوددآ ردما آ نچه‌نا ظرا ن غربی را

حمله وتقاضا کردبا یدعلیه این نهضت مبارزه شدیدی آغاز گردد.

منکو MONACKO علیه نووتنی به انتقاد پرداخت، انتونی لیچمAMTONY LICHIMیکتن ازبنیان گزاران مجله لیترانی نونوویني علیه سانسوروخشونت پولیس مقالاتی به نشرسپرد. یک نویسنده دیگرنامه محرمانه الکزاندرشولزنیتسین ALEXANDOR SOLSCHENIZYN راکه مخالف با سانسوربوددرکانگرس قرائت کرد.

انتقادبرشیوه نیوستالنیزم جنجال برانگیز بود. اما واکومیک کلیما ولیچم، آنانیکه درین انتقادها سهم داشتندوخواهان دیموکراسی شدن بودند، جملگی درهمین فرصت اعضای کمیته مرکزی حزب بودند. این دلایل،لااقل این امکانات راتائیدمیکندکه آنان برحسب دستورحزب، اکت میکنند. شایان توجه است که سه ماه بعدتر (سپتمبر ۱۹۶۷) این ارباب قلم ازحزب اخراج شدند. اتهام شان این بودکه آنان تبلیغات ضدکمونیستی رادر کانگرس نویسندگان پخش واشاعه میکنند. با فهم متود" تحریک " که ذریعه سرویس امنیتی کمونیستها بکاربرده می شود، اخراج این نویسندگان میتواندقدمهای باشد به منظور تظاهرآنان به حیت منتقدین مستقل رژیم وهواخواهان جدی سوسیالیزم دیموکراتیک، تلقی گردد. درست در همین فرصت اخراج آنان ازکانگرس نویسندگان میتوانند سعی برای پوششی باشدکه حزب وظیفه محرمانه ای بایشان سپرده است.

بعضی ازاکت ها ونطق های نویسندگان چکوسلواکیا

اعلامیه خط مشی جناح مترقی حزب ذریعه مطبوعات شوروی وسایرکمونیست های قدیمی، به‌حیث اعمال ضد انقلاب موردتقبیح قرارگرفت. دربرخی ازین نوشته‌ها، بوی ازدیموکراسی ساختن چکوسلواکیا به‌مشام میرسید. در حالیکه‌خودرا پروگرسیتف معرفی میکردندازگردانندگان حزبی واورگانهای امنیتی بودندوتطبیق قرارداد های دوستی موءدت با متحدین راازمردم تقاضا می نمودند. درینجا البته‌مرادازمتحدین اتحادشوروی وسایرکشورهای پکت وارسا میباشد.

چندجمله‌ازین اعلامیه‌را ذیلا"تقدیم می کنیم:

درقدم اول، ما با این نظرمخالف هستیم که احیای مجددديموکراسی میتواندبدون کمونیزم ویا علیه‌آن بکار بیفتد. این طرزتفکرنه‌تنها غیرعادلانه‌است بلکه غیر معقول نیزپنداشته‌میشود.

نظام کمونیستی دارای سازمانهای است که‌درست مستقرشده‌وثبات یافته‌است. گرایش این سازمانها بسوی ترقی پسندی رضائیت بخش است. گذشته‌ازان درکارشان مهارت کافی اندوخته‌اندوتحت کنترول قراردارند.گذشته ازان پروگرام عملیاتی ای تهیه‌کرده‌اندکه‌می خواهند درمعرض دیدعوام بگذارند. هدف این پروگرام جبران بی عدالتی عظیمی است که‌درحق مردم روا داشته شده و این یگانه‌پروگرامی است که‌نظیرآن درگذشته‌وجودنداشته بگذاریدکه‌جبهه‌ملی رابارديگراحیا بگردانیم. باید از سرویس امنیتی که‌درتعقیب جنایتکاران ودشمنان جامعه هستند، قدردانی کنیم. ما تصمیم براین نداریم که

انارشی را دامن بزنیم ویا امنیت عامه را اخلال کنیم. ما به متحدین خود اطمینان میدهیم که به معاهدات مؤدت ، اتحاد و تجارت که بین کشورهای پیمان وارسا عقد شده ، احترام می گذاریم...)

وقتی ما در راه پروسس دیموکراسی ساختن ، منافع وعلایق حزب وسرویس امنیتی را درنظر بگیریم واین را هم بپذیریم که همه این فعالیت تحت نظارت وکنترول حزب و پیمان وارسا پیش میرود آنوقت به این قناعت میرسیم که نویسندگان فعالیتهای شانرا براساس دستورحزب ، انجام می دادهاند.

مبارزه بین ترقی پسندان دوبچک ومحافظه کاران نووتنی، اگر اقتصاددانها ونویسندگان لیبرال را بحیث نخستین دونیروی نهضت دیموکراسی ساختن درسال ۱۹۶۸- بشماریم ، انکشاف دیگر مبارزه دردرون حزب بین پرگر - سیف برهبری دوبچک وگروپ محافظه کار به رهبری نووتنی به حساب می آیند. درین مبارزه ترقی پسندان دوبچک فیروزشدند.

به همه حال نووتنی از نسل ستالینست ها بود ومخالف سوابق زعامت ستالین وگوتوالد در احزاب کمونیستی اتحاد شوروی وچکوسلواکیا بود وتا ستالین، از صحنه بیرون نشد زعامت چکوسلواکیا را بعهده نپذیرفت . وتحت زعامت او بود که وی وخروسچف به شدت هرچه تمامتر به تقبیح اعمال ستالین در دوره ۶۰-۱۹۵۶ پرداختند واین همان سالهایی بود که محبوسین سیاسی حزب اعاده حیثیت شدند . ازین لحاظ این قابل سوال است که اتهام نیوستالینزم

علیه‌نووتنی، ذریعه‌ترقی پسندا ن به‌موردنبوده‌ا ست .

چون با زا رجعل وجعلکا ری درا ن وقت‌گرم بودلهذ ا ا ین نظریه‌را تا ئیدمیکندکه‌آ نا ن دردا خل چوکا ت پا لیسی طویل ! لمدت ونشرا خبا ردروغ ، فعا لیت میکردند .ظا هرا " با دا شتن ا حسا سا ت‌آ زا دی خوا هی خوشوقتی میکردند د ر حا لیکه‌درحقیقت ا مرهمه‌ا ین حرکا ت منظم پلانگزا ری شد ه وتحت‌کنترول بودتا زمینه‌را برا ی رهبرا ن حزبی نسل جدیدآ ما ده‌بگردا نند .

درینجا بیموردنیست تذکردا ده‌شودکه‌دوبچک درنقش رهبرمخا لف‌نووتنی ونما یش موجودیت مخا لفت در دور ن حزب ا نتخا ب‌گردیددرحا لیکه‌هردوهدف مشترک را پیش مـی بردند .

دوبچک ما نندنووتنی، هرچندا زنظرسن ومقا م حزبی درصف پا یین تری قرا ردا شت ولی هردومولودما شین حزبی ستا لین بودندکه‌برعلاوه‌پس منظری ا زکمونیزم‌ملیتا ریزم را نیزبا خوددا شتند .

دوبچک ا صلا" ا هل سلوا ک بودا زسا ل ۱۹۲۲–۱۹۳۸ در ا تحا دشوروی میزیست وبا مقا ما ت‌آ نکشورمنا سبا ت خیلی عمیق دا شت . درسا ل ۱۹۳۹ به‌عضویت حزب کمونیست چکو– سلوا کیا پیوست ودرخلال چها رده‌سا ل ا خیربا حما یت ستا – لین ، پیوسته‌مرا تب پیشرفت خودرا پیمود . درسا ل ۱۹۵۳ که‌مصا دف با مرگ ستا لین بوددوبچک به‌حیث منشی حزبی شهرسلوا کیا منصوب‌گردید .

بقول سا لمون که‌ا ثرش تحت عنوا ن روزنا مچه‌بزر گ شهرت دا رد ، دوبچک ا تحا دشوروی را دوست دا شت وبه آ ن

احترام میگذاشت .

بین سالهای ۱۹۵۸-۱۹۵۵ درلیسه عالی حزبی واقع مسکوکه تحت سرپرستی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اداره میشد ، به تحصیل پرداخت . درین لیسه ، زعمای آینده اتحاد شوروی وسایر احزاب کمونیستی تربیت میشدند . دوبچک تا سال ۱۹۵۸ مشغول تحصیل بودکه پالیسی طویل المدت طرح وتنظیم میشدوبعیدنیست که دوبچک بادر نظرداشت چنین سوابق دوستی با اتحاد شوروی وآموزش در مکتب فوق الذکرا زطرف کمیته مرکزی به حیث رهبر " ترقی پسندان" برگزیده شده باشد .

دوبچک درسال ۱۹۶۳ به حیث منشی سلواک حزب کمونیست وعضو هیئت رئیسه ارتقا داده شدواین مصادف بسالی بودکه سیک به حیث رئیس کمیسیون اقتصادی وهوزاک به حیث رئیس کمیسیون موءرخین مقررشده بودند . و لهذا احتمال میرودکه دوبچک درسال ۱۹۶۲ برای اجرای چنین رولی انتخاب شده است .

یک سلسله سوالاتی درموردانقلاب خاموش " مطرح شده است که داستان " انقلاب آرام " را دچار شک وتردید می نماید . بعضی ازین سوالات که پاسخ نیافته بدین قرار است :

- چرا اکثریت محافظه کار هیئت رئیسه بنفع دوبچک رأی دادند . وچرا نووتنی خودش به کاندید شدن دوبچک مخالفت نکرد .
- کمیته مرکزی وماشین حزب که ازحامیان " محافظه کار" وابسته به نووتنی تشکیل گردیده بود از

تعویض دوبچک بجای نووتنی چرا جلوگیری نکردند؟

- چرا رهبران نظامی وامنیتی محافظه‌کار از قبیل لومسکی وزیردفاع وماموله رئیس امنیت نظامی، رهبران نظامی وملیشه‌پراگ که‌کودتای ۱۹۴۸ را براه انداخته‌بودند علیه‌دوبچک که‌موقف شان را تهدیدمیکرد، وامکان بازگشت زمانی‌مری نازو به‌مخاطره‌انداختن بنیان رژیم راایجادمینمود، علیه‌دوبچک به‌مخالفت برنخاستند.

- چرا هندریچ، محافظه‌کار افراطی واز حامیان نووتنی که‌تازه‌ازسفرمسکوبرگشته‌بود، رئیس دیپارتمنت ایدئولوژی حزب وکنتورلرروشنفکران ازسال ۱۹۵۸ به‌اینطرف درانتخاب دوبچک مخالفت نکرد، خلاصه‌اینکه‌چراسیاستمدارانچکوسلواکیا درجلسه‌سری کمیته‌مرکزی درجنوری ۱۹۶۸ از دوبچک حمایت واورا به‌حیث منشی عمومی‌حزب کاندید کردند؟

- چرا اینهمه محافظه‌کاران، دوبچک را بدون مقاومت پذیرفتنددرحالیکه‌میدانستندکه‌طرف مقابل با شوروشوق، انقلابی رابراه‌انداخته‌اندآیاآنان برای نابودی خود، زمینه‌رافراهم‌میساختند؟

- چرا دوبچک درست درهمان آغازکاردرمارچ ۱۹۶۸ کاردارانی ازقبیل لومسکی ومانورا از عهده‌های شان دورنکرد؟

- چرا درحالیکه‌خودش ازسانسورمطبوعات حمایت می کرد، ازدیموکراسی ساختن مطبوعات حمایت می

کرد وعلیه‌سانسورر أی داد؟

ـ درصورتیکه‌نووتنی شخص نا مطلوب بود ، چرا بعد ازبرکناری موردا ذیت قرارنگرفت ؟

ـ چرا سیاست خارجی دوبچک دنبا له‌همان سیاست پا ریته‌بر طبق موازین محا فظه‌کاری وضدنا تو و ضدا یا لات متحده‌ا مریکا وضدا سرا ئیل بود؟

ـ چرا لیدرا ن به‌ا صطلاح " پروگرسیف" از أشغال نظا می چکوسلوا کیا ذریعه‌قوای بلا ک کمونیستی حسن ا ستقبا ل کردند؟

اگررژیم دوبچک با لقوه‌یک رژیم دیموکرا سی میبود می با یست ا عضای کهنه‌کا روما مورین عا لیرتبه‌را که مسئول ا ذیت مردم درگذشته‌بودند ازکا رسبکدوش میکرد. تنها سه‌صدتن ا زما مورین وزا رت دا خله‌مسئول معرفی وبر طرف شدندوا ین بسا ن قطره‌ا بی بودکه‌ا زیک رودخا نه‌گرفته شده‌با شد .

گا ردقدیم ، محا فظه‌کا را ن وترقی پسندا ن جدید که حتی برخی ا زآنا ن قربا نی شکنجه‌وا ذیت محا فظه کا را ن بودند ، درکنا رهم رژیم سوسیا لیزم دیموکرا تیک را پیش میبردند .

درواقع ، تغییربسیا ربزرگ ، با زگشت ا عضای حز ب تجدیدحیثیت شده‌بودندتلقی میگرددوا ین کا رنیزخا ص به منظورنما یش چهره‌جدیدرژیم کمونیستی بودکه‌درجمله‌آنان هوسا ک ومعا ون صدرا عظم (که‌درسا ل ۱۹۶۰ اززندا ن آزا د شد) سمورکوفسکی رئیس ا سا مبلهٔ‌ملی (در۱۹۵۵ـ آزا دشد) وپا ول وزیردا خله (که‌درسا ل ۱۹۵۵ـ آزا دشد) چهره ها ی

برجسته این دسته را تشکیل میداد.

با زگشت آنان به جامعه، تحقق یک پالیسی حساب شده در مورد اعاده حیثیت اشخاص و پیروی از خط مسکو گفته میشد. به ارتباط این موضوع باید بخاطر آورد که گومولکا وکادار، که به حیث رهبران حزبی در پولیند و هنگری ترفیع مقام کردند، اساسا از جمله اعضای حزب بودند که حیثیت خود را بازیافته بودند.

اعاده حیثیت در چکوسلواکیا، شکل جالبی داشت به این معنی که مامورین سابق حزب کمونیست مشمول این موهبت میشدند ولی زندانیان سیاسی غیرکمونیستی از این اعاده حیثیت ها برخوردار نگردیدند.

قانون اعاده حیثیت در جون ۱۹۶۸ به تصویب رسید. مطابق این قانون تجدیدنظر برقضایای مشخصی را توصیه میکرد ولی برفیصله محاکم که تازه عناصر ضدانقلاب را مجازات کرده بودند اثری نمی گذاشت.

شاهد دیگری از تداوم سیاست رژیم جدید و سابقه، موضوع گوتوالد که به قرار احصائیه رسمی وی مسئول قتل وکشتار یکصد و سی هزار نفر گفته میشد، ولی این اتهام در رژیم جدید تردید نگردید. برعکس دوبچک بیوه ها و معیوبین قربانی مامورین رسمی را براساس دستور گوتوالد، با اعطای نشانها و مدالها تلافی کرد، درحالیکه تحت رهبری گوتوالد پدران و شوهران شان، به دیار مرگ سوق داده شده بودند. وشگفت آورتر این است که وابستگان این قربانیان نیز "وسایل زینتی" را پذیرفتند؛

خصلت "دیموکراسی" ساختن چکوسلواکیا وقتی با

قضایای هنگری که درسال ۱۹۵۶ اتفاق افتاد، مقایسه شود، شباهت زیادی دران میتوان سراغ کرد.

انقلاب هنگری یک قیام توده‌ای بود، برای اینکه مدتی دوام کرد، ماهیت واقعی سیستم ماشین حزبی و سرویس امنیتی را برملا ساخت. زعمای غیرحزبی را بجای زعمای حزبی رویکار آوردند. برخی از رهبران حزبی از قبیل ایمری ناژ، با حزب مقاطعه کرد و طرف مردم را گرفت از طرف دیگر در چکوسلواکیا نهضت "دیموکراسی سازی" بنام انقلاب آرام ذریعه خود حزب پیشبرده شد. اساسا ماشین حزبی اردو و سرویس امنیتی دست نا خورده ماند. درحقیقت دوام رژیم سابقه بود نه مقاطعه بنیادی. رهبران سالخورده کمونیستی اگر عوض شدند جای شانرا رهبران جوان کمونستی اشغال کردند و به این ترتیب قدرت انحصارگرانه حزب وایدئولوژی آسیبی ندید. انقلاب مجارستان در روزگار بحران بلاک کمونیستی اتفاق افتاد و آنرا مولود این بحران میدانستند درحالیکه انقلاب چکوسلواکیا وقتی رخ داد که بلاک از بحران نجات یافته و در پی تحقق پالیسی طویل المدت بودند.

عکس العمل اتحاد شوروی در سراسر این وقایع نیز عجیب است. با وصف ردوبدل انتقادات علیه یکدیگر، بین زعمای اتحاد شوروی و چکوسلواکیا دیدوبازدید های درکشورهای همدیگر صورت گرفته است عکس های از بغل کشی برژنف و دوبچک در مطبوعات به نشر میرسید اینکه بین این رهبران چه مطالبی عملا" بحث و مذاکره میشد کسی اطلاع ندارد. جزا شارات محدودی که ذریعه رژیمهای کمونیستی

سخت دچار شک وتردید میگردانند این است که این جمعیت به اصطلاح " تکنوکراتها " درواقع از اعضای حزب هستند که دررشته اداره وصنایع ویا یک سلسله رشته های خاص دیگر ، تربیه شده اند ولهذا درمحل کار ووظیفه شان خط حزب رادنبال میکنند وذریعه همین تکنوکراتها است که حزب کمونیست صنایع دولتی را سخت تحت کنترول ومراقبت قرار داده است که دراثر تغییرات جدیده پلانها ئیکه طرح میشود نسبت به گذشته جامع تر وبه شکل موثر تری ترتیب وتنظیم شده است .

ازسال ۱۹۶۲ به بعد یک سلسله مباحثات طولانی در مطبوعات رسمی شوروی براه افتاد که انگیزه سود جوئی را به اساس " اقتصاد منظم مارکیت " که براساس ایجاد سیستم ترست فابریکه بود عنوان کرده بودند .

پروفیسر لیبرمن، اقتصاددان اتحادشوروی درین مباحثه ومذاکره رول بسیار عمده ای را بازی میکرد . بر اساس نظریه لیبرمن، فابریکه ها نباید اضافه ازپلان تولید کنند وپلان تولیدهم برپایه فرمایش تجارتی استوار باشد. درداخل چوکات پلان اساسی، فابریکه ها باید درموردا جرت ها ، قیمت گذاری ومفاد اراده آزاد داشته باشند . برپایه نظریه این دانشمند یک بخش ازسود حاصله درحساب جداگانه بود یجه گذاشته شود تا بعدا بعنوان مکافات به منیجروکارگران فعال پرداخت گردد .

ابتکار دولت که متکی به اعتماد است وبرپایه منفعت فعالیت میکند تشویق حکومت را برمی انگیزد .

درواقع امر بعضی ازشرکتهای به این نوع از سال

صورت می گرفت . محافل غرب علایم روابط حسنه بین چکو سلواکیا و اتحادشوروی را یا به نظرشک وتردید مینگریستند وآنرا پوششی برای پنهان نگهداشتن اختلافات آنها تعبیر میکردند . حرکت قوای پیمان وارسا ، درسرحدات پولینند، چکوسلواکیا مظهراین تصمیم بودکه نمی خواستند حوادث سال ۱۹۵۶ تکرارگردد واین آنقدربا ارزش بودکه از ظواهر امرنتوان تشخیص نمودوحرکت این قوا بداخل چکوسلواکیا برطبق این تحلیل اقدامی بودکه بلاک برای تقویه رژیم میکردوقبلا" روی آن موافقه شده بود . مخصوصا که حزب چکوسلواکیا درین فرصت اوضاع رازیرنظرداشتند .ازطرف دیگرفرصت مغتنمی بودبرای تحرک سربازان بلاک تا در یک کشورکمونیستی بعنوان ایجاد استقرارثبات رژیم مارش کنند . مخصوصا جالب است که این سربازان از کشور های بودندکه درگذشته درمقابل(پولینند ،هنگری والمان شرقی) مخالفت میکردند ، درموضوع چکوسلواکیا ازان ها استفاده کردند ، اما هدف مهم واساسی ازمداخله نظامی بلاک درچکوسلواکیا این بودکه نشان بدهندایالات متحده امریکا وناتوقدرت مداخله درین کاررا ندارندومخالفین داخلی چکوسلواکیا ویا یک کشورکمونیستی دیگربدون مداخله غربیها بیدرنگ سرکوب خواهندگردید .

خلاصه :

درصورتیکه زعمای چکوسلواکیا درفورمولبندی پالیسی درازمدت بین سالهای ۱۹۵۸و ۱۹۶۰ سهمگرفته باشند،

درصورتیکه سرویس های جاسوسی و امنیتی این نظام درپلان گزاری وتطبیق عملیات نشر اخبار سیاسی دروغ، به حمایت این پالیسی، درگیر بوده باشند، درصورتیکه اصلاحات اقتصادی سیک SIK وسایرین ازسال ۱۹۶۳ به بعد تحت رژیم نووتنی، تهیه گردیده باشد، درصورتیکه شواهد این نکته را ثابت کند که تقاضای نویسندگان برای دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا، روی شوروشوق خودشان نبوده بلکه برطبق دستور هندریچ HENDRYCH صورت گرفته باشد، درصورتیکه مبارزه بین ترقی پسندان ومحافظه کاران تحت کنترول ونظارت دوبچک ونووتنی، تنظیم شده باشد، دران صورت بدون تردید، به این نتیجه میرسیم که این" انقلاب خاموش" یک انقلاب کنترول شده وتحت نظارت دستگاه رهبری حزب با استفاده از تجارب اتحادشوروی، بمنظور نشان دادن یک نهضت دروغین اپوزیشن هدفی دیگردرخود مکتوم نداشته است.

هرچندنمی توان انکار کردکه درسال ۱۹۶۸ پاره ء اصلاحات اقتصادی درچکوسلواکیا پدیدآمد اما این یک اشتباه خواهدبود اگرما این اصلاحات را آنطوریکه کمونیست ها درظاهروانمودمی کنند، آنرا نمونه علاقه وشوق ویا به منظوررسیدن به مرحله دیموکراسی تلقی کنیم.

این عملیه تحت کنترول وابتکار حزب که قوماندهآن بعهده گولدشتوکر GOLDSTUKER گذاشته شده بود، واین شخص یکی ازچهره های مهم این پلان بشمار میرفت جریان داشت. اوباری گفته بودکه ما سعی کردیم تا موءثریت کنترول قدرت را درداخل سیستم خویش بسط وتوسعه بدهیم.

انقلاب خاموش ذریعهٔ نمایندگانی که‌اعاده حیثیت شده‌بودندواقتصاددانان، موءرخین ونویسندگان و گروه جعلی" ترقی پسندان" براه‌افتاد، بازی ماهرانه‌وخلاقانه‌حزب بودکه‌با استفاده‌ازتخنیک فعالیتهای سیاسی ونشر شایعات دروغ آنرا عملی ساخت. انقلاب خاموش چکوسلواکیا با انقلاب ملتهب وتوفنده‌مجارستان هرگزمقایسه شده نمی تواند. بلکه‌این نماینده‌ای ازپیشرفت مزیددراپریشن کنترول شده‌دروغگوئی درسراسربلاک شرق به منظور تطبیق ازپالیسی درازمدت بوده‌است. درجمله‌این فعالیتها برخی عناصرنا مطلوب چکوسلواکیا نیزدیده‌میشد از قبیل قنیه، جان بازارک (که‌قضیه‌بصورت کامل تاکنون ناگفته‌مانده‌است).

وفا به نشر سپرده است

۱- دځنا وروفا رم- لیکوال : جارج ارول
ژباړن : پروفیسر رسول امین

۲- روسهای عظمت طلب وتیوری نشنلزم نوین
مؤلف : پروفیسر تیواری
مترجم: شفق ستانیزی

۳- دروس فاسده ټولنه ، په دري جلده کې
لیکوال: کانستنتین میخائیل سیمس
ژباړن : محمدآصف اکرام

۴- دکې،جې،بې دننه (په دوه جلده کې)
لیکوال: الکسي مایګوف
ژباړن : اختر محمد

۵- کمپهای مرګ کولیما
اثر: رابرت کانکویست
مترجم: ز،ع، ممتاز

۶- دروغهای جدید بخاطر دروغهای قدیم (جلد اول)
اثر: اناتولی ګایستین
مترجم: سیدفقیر علوی

۷- شوروی اتحاد او پارا چونه (تروریسم)
اثر: رابرت ګورین
ژباړن : محمدآصف اکرام

۸- تلاشهای روس برای اشغال افغانستان
مؤلف : عبدالکریم محب

۹- دکیمیاوی زهرجنو مواد وپه برخه کی لمړنی لارښوونې
مؤلف : داکتر تاج الدین ملت مل

۱۰- طبقه نوین ، اثر : میلوان جیلاس
ترجمه:ج ابراهیمی

Series No: 16

ARIC
B
14.4093
GOL
279

NEW LIES FOR OLD

The Communist Strategy of Deception and Disinformation

By an ex - KGB Officer

ANATOLIY GOLITSYN

Translated into Dari

By

Sayed Faqir Alawi

Part Two

Copies 2000

Published:

By

WRITERS UNION OF FREE AFGHANISTAN

۱۹۶۲ تأسیس گردیدا زقبیل فا بریکه های کوچک بوت دوزی بصورت تجربوی به‌شکل کمپلکس درلوووگورکی و شهر های دیگربمیا ن آمدشباهت این ریفورم به‌کاپیتالیزم مولود یک نظرسطحی است موء ثریت این عمل نظارت حزب را بر تاسیسات صنعتی نه‌تنها ضعیف نمی گرداندبلکه‌برپیمانه کنترول حزب می افزاید .

اختلافات بنیادی بین سیستم های روسیه شوروی و نظامهای سرمایه‌داری درقدم نخست وابتدائی درپرنسیپ های مالکیت ومنجمت ، درتوزیع وعایدملی و ابقای قدرت سیاسی است .

سرمایه‌گذاری عظیم اتحادشوروی هنوزهم برصنایع ثقیل ومخصوصا صنایع جنگی وافزارنظامی وراکت های هستوی استواراست .

تذکراین مطلب لازم است که‌ریفورمهای اقتصادی انعکاسی ازتجارت (NEP) پالیسی جدیداقتصادی است. برخی ازنظریات لیبرمن ازقبیل ایجادترست ها درصنایع، مستقیما ازمودلهای NEP نمایندگی می کندولی درحقیقت تغییرات سال ۱۹۶۰ نسبت به‌مودل ۱۹۲۰ نارساتربود به این معنی که‌بعدازسال ۱۹۶۰، تشبثات خصوصی ، اجازه فعالیت نداشتندوزراعت همچنان به‌شکل اشتراکی باقی ماند . ریفورمهای که‌درسال ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ واردآمد نظیر یک تغییرفاحش دررژیم نبودبلکه‌قدمهائیکه‌ذریعه رژیم برداشته‌میشد ، بسیاردقیق واحتیاط آمیزبودوازچوکات پالیسی طویل المدت عدول نمی کرد . هدف این بودکه‌در خصلت رژیم تغییری واردنیایدبلکه‌با موء ثرساختن بهتر

اقتصادو تشدیدکنترول حزب برتا سیسات صنعتی استقرار
ثبات رژیم بهشکل بهتری تأمین گردد.

بصورت مختصرمیتوان گفت که درتحت شرایط فوق که
روش اقتصادی رژیم ازسال ۱۹۶۰ گرایشی بسوی کاپیتا ـ
لیزم داشت درحالیکه درمرحله پالیسی جدید اقتصادی
(NEP) این گرایش بیشترمحسوس بود.

بهرصورت درسال ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ عین تخنیکی به کار
برده شدکه درسال ۱۹۲۰ آنرا بکاربرده بودندو آن اینکه
کیفیت وماهیت این تغییررا بجهان جلوه دادندبطوریکه
جهانیان فکرکنندنفوذایدئولوژیکی روبه ضعف گذاشته و
تمایلی برای استقرارسرمایداری پدیدآمده است.

درین میان کی،جی،بی رول فعالی را درمعکوس نشان
دادن حقایق بعهده گرفت. برسبیل تمثیل، اعترافات
یک ملیونرزیرزمینی که به ابتکارشلیپن برای روزنامه
ایزوایستیا تهیه وتدوین شده بود، همچنان کا،جی،بی،
تخنیک گسترده ای بکاربردتا درافکارتوریستها، بازرگا ـ
نان، دانشمندان وجریده نگاران مستقیما نفوذواردکند.
بصورت مثال وقتی اقتصاددانان غرب ازاتحاد شوروی
دیدن میکردند، طبعا آرزوداشتندبا هم مسلکان خود به
گفتگوبنشینند. واین یک پروسه مروج و معمولی بود که
بایدزمینه این چنین ملاقات ها را قبل ازهمه با حزب و کا،
جی،بی فراهم میساختند. هم مسلکان روسی، ازکا،جی،
بی دستورمی گرفتندکه چگونه با بازرگانان غربی درمحیط
دوستان واردمذاکره شوندودرموردناکامی سیستم اتحاد
شوروی وگرایش بسوی کاپیتالیزم صحبت را بکشانند. در

حالیکه آنچه برزبان میراندند، واقعا تمایلی به سوی استقرار سرمایداری نبود.

تغییرات سیاسی :

اعتقاد غربیها درنرمش سلوک دربرابرپرابلم های شوروی درداخل وخارج ازیک سلسله تغییراتی الهام گرفته بودکه ازسال ۱۹۵۸ به اینطرف، به‌ظهور پیوست. میتوان ازین تغییرات بصورت مختصر یاد آوری کرد. یک فورمول جدید وضع شدکه عنوان دیکتاتورشپ پرولتاریا که زبان رسمی کمونیستها است جای خودرا به‌یک عنوان دیگر خالی کردوآن عبارت از "دولت تمام مردم" بود. قدم های به‌منظورکاهش کنترول ونفوذ سرویس امنیتی برداشته شد. وزارت امورداخله سرا سرجمهوریت ها درسال ۱۹۵۹ لغو گردیدولی البته برای یک وقت کوتاهی جنرال ایوان سیروف رئیس کا،جی،بی که پولیس با تجربه ومشهوری بود، بتاریخ ۹ دسمبر ۱۹۵۸ ازعهده‌اش برکنار وبجای اوشلیپین رهبرنهضت جوانان شوروی که لیبرال بودن را به‌اوشهرت داده بودند، مقررگردیدا عمال ترور رویکا هش گذاشت، گفته میشدکه یک نظام قانونی سوسیالیستی رویکارمیاید. کا،جی،بی به‌حیث یک سازمان اصلاح شده، معرفی شد.

چرشنسکی روزهای میمونی داشت. هرچندا وبحیث دشمن سرسخت رژیم معرفی وشناخته‌شده بودولی برعکس او را به‌حیث دوست مردم شوروی عنوان دادند. خروسچف به مدیران مطبوعات سوسیال دیموکرات جمهوریت اتحادی

آلمان گفت که دولت شوروی به سازمانهای امنیتی واقعاً نیازی احساس نمی کند. ازین تشکیلات تنها در موارد سرقتهای کوچک استفاده خواهد شد.

خروشچف وشلیپن باربار از موجودیت زندانیان سیاسی درکشور انکار کردند. برحسب ادعای نشریه کمونست اورگانهای امنیتی دولتی حالا به کارهای احتیاطی و امور تربیتی منهمک اند. آنان اکنون به تدابیر امنیتی دست میزنند.

درواقع امر بین این ادعا و اقدامات اختناق آمیزی که سرویسهای امنیتی پیش می بردند تفاوت فراوان وجود داشت.

درمورد اینهم یک سلوک پرازبردباری ولی نمایشی را پیشه ساختند. رئیس امور کلیساهای ارتودوکس که یک مامور کا.جی.بی وکارپاپوف نامیده میشد از عهده اش بر طرف وبعوض وی کوریودرف سابق منشی حزبی ولایتی باین کار مقرر گردید و به عده زیادی از رهبران مذهبی اجازه مسافرت به خارج را قایل شدند.

اما ازهمه مهمتر، روش صبورانه دولت دربرابر نویسندگان، دانشمندان وسایر چهره های ابداعی وابتکاری بود. افکار عامه نسبتا بدون قیدوبند وبا شوروشوق ابراز میگردید بعضا تبصره های غیررسمی انتقادی هم علیه رژیم نشر میشد، درحالیکه از طرف دیگر ریالیزم سنتی سوسیالستی آرت رسما تشویق میگردید، آثار رسامی ابسترکت درماسکو با تدویر نمایشگاه به معرض نمایش گذاشته شد.

خروشچف ازین انکشافات مرتبا انتقاد می کرد.

به سلسلهٔ نشرات وفا
۱۶

دروغهای جدید
بخاطر
دروغهای قدیم

ستراتیژی کمونستها در پنهانکاری و دروغگوئی

اثر : اناتولی گولیتسین افسر سابق کا ، جی ، بی

مترجم : سید فقیر «علوی»

جلد دوم

معرفی کتاب

اسم کتاب : دروغهای جدید بخاطر دروغهای قدیم (جلد دوم)
مؤلف : اناتولی گالیتسین ، افسر سابق کا،جی،بی
مترجم : سید فقیر « علوی »
چاپ : نورمحمد « اکبر »
مؤسسه نشراتی : اتحادیه نویسندگان افغانستان آزاد « وفا »
تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه
تاریخ چاپ : قوس ، ۱۳۶۶ هـ ش

د آزاد افغانستان دلیکوالو تولنې مشر :

پروفیسر رسول امین

د تالیف او ترجمې بورد :

حکیم تنیوال

جګړن غلام دستګیر « شکیب »

A. R. I. C.
RECEIVED DATE
FROM

دروغهای جدید

بخاطر

دروغهای قدیم

ستراتژی کمونیستها در پنهانکاری و دروغگوئی

فهرست

عنوان	صفحه
۱- تغییرات بزرگ در اتحاد شوروی	۱
۲- تغییرات اقتصادی	〃
۳- تغییرات سیاسی	۸
٤- تغییرات در ساحهٔ دپلوماسی	۱٤
٥- نفوذ ایدیالوژی	۲۰
٦- احیای مجدد مفکورهٔ مردود شمردن ستالین	۲۷
۷- موقف ساینتست‌ها و سایر روشنفکران	۳٤
۸- اهداف ستراتیژیکی نشر اطلاعات دروغ در...	۳۷
۹- دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا در...	٤۸
۱۰- تعبیر غربیها	۳۹
۱۱- اشتباهات غرب	٤۱
۱۲- تعبیر غلط از دموکراسی ساختن چکوسلواکیا	٤۲
۱۳- نقش مؤرخین و اقتصادانها در دموکراسی ساختن	٤۴
۱٤- نقش باراک اوزیک	٤٦
۱٥- نقش نویسندگان در دموکراسی ساختن	٤۹
۱٦- خلاصه	

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ